

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَّ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

احكام (۲)

رشته علوم و معارف اسلامی

پایه یازدهم

دوره دوم متوسطه



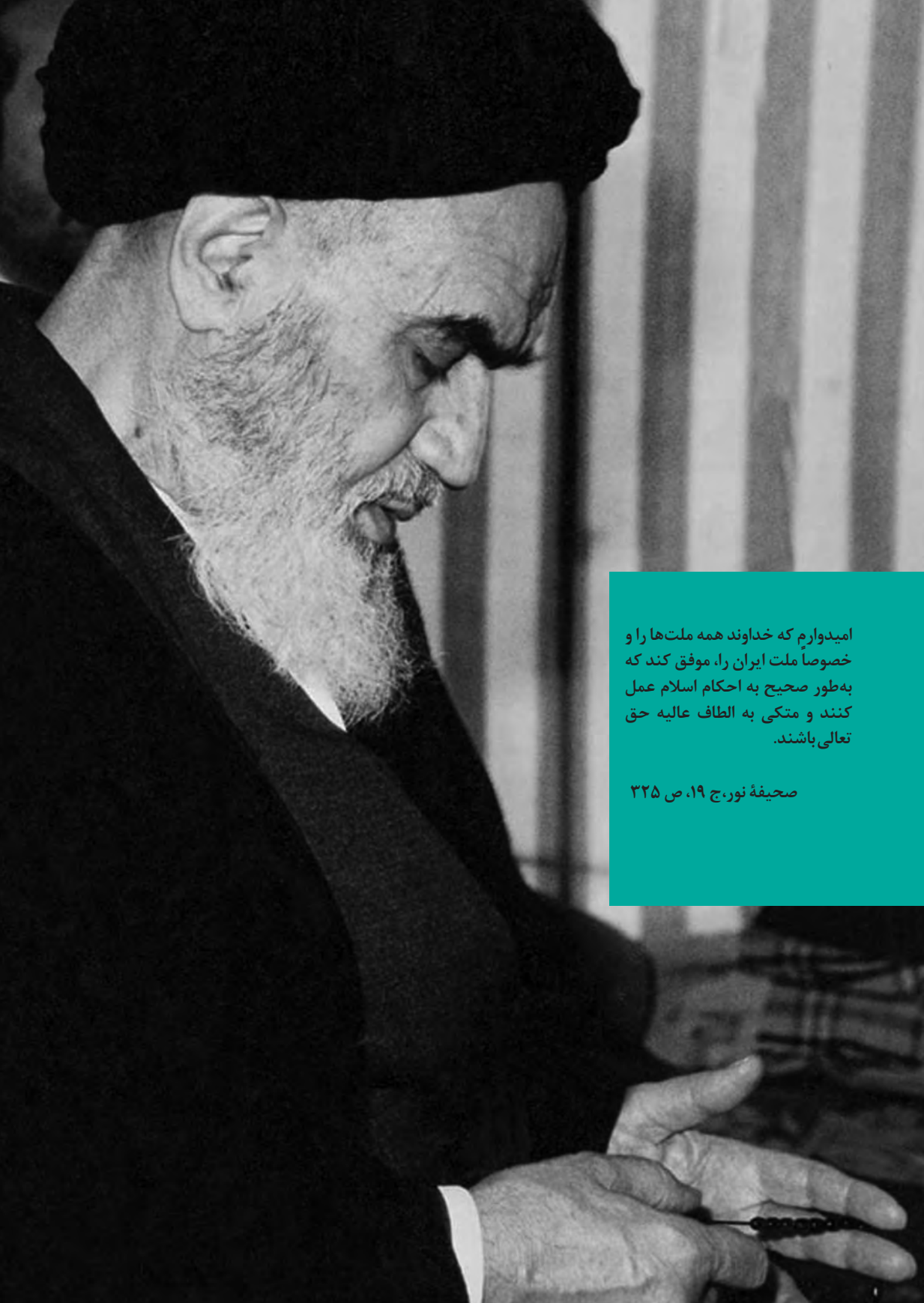


وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

نام کتاب: احکام (۲) - پایه یازدهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۱۲۲۷
پدیدآورنده: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف: حسین سوزنجی، سعید سید حسینی، محمود متوسل آرائی، محمد مهدی اعتصامی، علی ناسخیان، حسن جعفریان و مهدی حاجیان (اعضای شورای برنامه‌ریزی) نورالدین شریک (مؤلف) - محمد کاظم بهنیا (ویراستار)
مدیریت آماده‌سازی هنری: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
شناسه افزوده آماده‌سازی: احمد رضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - جواد صفری (مدیر هنری، صفحه‌آرا و طراح جلد) - کبری اجابتی، زهرا ایمانی نصر، فاطمه صفری ذوالفقاری، پری ایلخانی‌زاده، زینت بهشتی شیرازی، حمید ثابت کلاچاهی، ناهید خیام‌باشی (امور آماده‌سازی)
نشانی سازمان: تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
تلفن: ۹-۸۸۸۳۱۱۶۱، دورنگار: ۰۹۲۶۶۰۸۸۳، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
وبگاه: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir
ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران: جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروبخش) تلفن: ۵-۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۰۴۴۹۸۵۱۶، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵ - ۱۳۹
چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ پنجم ۱۴۰۰

شابک ۰ - ۲۷۲۹ - ۰۵ - ۹۶۴ - ۹۷۸

ISBN 978-964-05-2729-0



امیدوارم که خداوند همه ملت‌ها را و
خصوصاً ملت ایران را، موفق کند که
به‌طور صحیح به احکام اسلام عمل
کنند و متکی به الطاف عالی‌ه حق
تعالی باشند.

صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۳۲۵

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

محتوای این کتاب تا پایان سال تحصیلی ۱۴۰۲ - ۱۴۰۱ تغییر نخواهد کرد.

فہرست مطالب

۸	امر بہ معروف و نہی از منکر (۱)	درس اوّل :
۱۴	امر بہ معروف و نہی از منکر (۲)	درس دوم :
۲۰	دفاع و جہاد	درس سوم :
۲۷	حدود معاشرت محرم و نامحرم	درس چہارم :
۳۲	احکام پوشش و نگاہ	درس پنجم :
۴۲	تفریح، قمار، موسیقی	درس ششم :
۴۸	زکات	درس ہفتم :
۵۶	خمس	درس ہشتم :
۶۱	وصیت	درس نہم :
۶۶	ارث	درس دہم :
۷۳	احکام کسب و کار	درس یازدہم :
۷۹	معاملات حرام	درس دوازدہم :
۸۵	اصطلاحات اقتصادی اسلام (۱)	درس سیزدہم :
۹۲	اصطلاحات اقتصادی اسلام (۲)	درس چہاردہم :
۹۸		منابع و مأخذ :



سخنی با دبیران ارجمند

درس احکام یکی از دروس اصلی رشته علوم و معارف اسلامی بوده و آموزش آن از مهم ترین اهداف این رشته می باشد. گذشته از آشنایی و عمل به احکام و دستورات شرع، فهم نظام فقهی اسلام و آشنایی با فلسفه برخی دستورات، می تواند موجب فهم عمیق تر دین و برقراری ارتباط بهتر دانش آموز با مسائل فقهی گردد. آمیختن مباحث «فلسفه فقه» با «درس احکام» ضمن کاستن از خستگی این درس و تسهیل امر آموزش، به دقت بخشی در مطالعه مباحث دینی و زدودن شبهات احتمالی پیرامون آن، کمک بسزایی خواهد نمود.

با توجه به محدودیت های ساعات درسی و حجم کتاب و برخی ملاحظات دیگر، مباحث مطرح شده صرفاً جنبه آشنایی با احکام را داشته و به هیچ وجه شامل تمام مسائل مربوط به آن بحث نمی شود. دبیر مربوطه، در صورت لزوم و به اقتضای شرایط، می تواند توضیحات و مثال های تکمیلی را به دانش آموزان ارائه و یا آنان را به رساله و دیگر کتاب های مرتبط راهنمایی نماید.

در این کتاب سعی گردیده تا هر درس، شامل فعالیت، نکاتی برای مطالعه و پرسش های جهت مشارکت فعال دانش آموز در کلاس باشد. همچنین ترجمه برخی آیات و روایات نیز بر عهده دانش آموز گذاشته شده است تا در سایه آن، به طور غیر مستقیم، ادبیات عرب و نیز فهم قرآنی دانش آموز توسعه یابد. لازم به ذکر است که این کتاب نه به عنوان «خودآموز»، بلکه جهت تدریس توسط دبیر مجرب و آموزش دیده طراحی گردیده است، و پاسخگویی به سوالات هر درس، مستلزم کمک و هدایت دبیر مربوطه است. جهت هماهنگی و مساعدت بیشتر، علاوه بر تدوین و توزیع کتاب راهنمای معلم، برگزاری دوره های ویژه جهت دبیران محترم، در دستور کار سازمان قرار داشته است. در تألیف این کتاب از آوردن اختلاف فتوا خودداری شده و در صورت لزوم، دانش آموزان به رساله مرجع تقلید خود ارجاع داده می شوند. هر چند محتوای دروس متشکل از متون مندرج در رساله های عملیه است، لیکن استناد احکام مذکور به شماره مسائل رساله، با توجه به اختلاف رساله های گوناگون، ذکر نگردیده است. البته یافتن شماره مسئله و صفحه مربوط به هر مبحث، با توجه به مختصر بودن نوع مسائل در رساله، بسیار آسان خواهد بود.

آشنایی با اصطلاحات فقهی گرچه برای دانش آموز رشته معارف می تواند مفید باشد، اما در نظر گرفتن دشواری نسبی این درس، از آوردن اصطلاحات تخصصی فقهی ممانعت به عمل آمد تا دانش آموز به جای تمرکز بر محتوا و مضمون، در دام صعوبت الفاظ و به خاطر سپاری آنها گرفتار نیاید. همچنین به صلاح دید شورا، از ذکر مستحبات و مکروهات و احکام مفصل خودداری گردیده و همت اصلی بر واجبات و اصول هر بحث متمرکز گشت.

امید است با مطالعه و در میان گذاشتن نظرات پیشنهادی خود، ما را در جهت ارائه هر چه بهتر کتاب های درسی یاری نماید.

خداوند همیشه یار و یاورتان باشد



سخنی با دانش‌آموزان

سلام بر شما

خداوند متان که بهشت را منزلگاه نهایی انسان قرار داده، راه رسیدن به آن را نیز به انسان آموخته است؛ راهی که خوشبختی دنیا را نیز به همراه دارد.

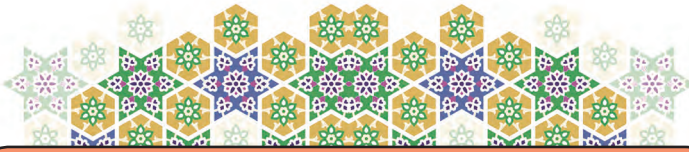
و آفرین بر شما

که در رشته‌ای تحصیل می‌کنید که شناخت پیام نجات‌بخش الهی هدف آن است. کتابی که پیش‌رو دارید سعی دارد گوشه‌ای از احکام عملی اسلام را به ما بیاموزد، احکامی که در قالب رساله‌ عملیه با آن آشنا هستید. قطعاً احکامی که روشنی‌بخش راه زندگانی ماست بسیار فراتر از آن است که در صفحاتی محدود بگنجد. هر کدام از ما نیز مرجع تقلیدی داریم که منبع ما بر شناخت احکام است؛ پس در هر مسئله‌ای باید به رساله‌ عملیه مرجع تقلیدتان نیز مراجعه کنید و از دبیر گرامی کمک بگیرید.

احکام الهی مبتنی بر علم و حکمت است و قطعاً آنچه خدا از ما خواسته، در رشد و بالندگی ما نقش دارد. سعی کنیم همیشه این را در خاطر داشته باشیم و با میل و رغبت به احکام عمل نماییم.

احکام الهی موضوعی است که در همه زندگی با آن سروکار داریم و باید آنها را به کار گیریم؛ خواه دانش‌آموز باشیم و خواه دبیر، خواه بخواهیم این رشته را ادامه بدهیم خواه نه. پس چه بهتر که از این فرصت به بهترین نحو استفاده کنیم و آن را به کامل‌ترین شکل بیاموزیم.

موفق باشید و خدا یارتان باد



درس اول



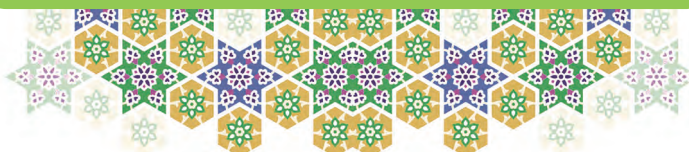
امر به معروف و نهی از منکر (۱)

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ
تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ
وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ

شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید.

به کار پسندیده فرمان می‌دهید
و از کار ناپسند باز می‌دارید
و به خدا ایمان دارید.

۱- سورة آل عمران، آیه ۱۱۰



■ قبل از پرداختن به احکام «امر به معروف» و «نهی از منکر» با مفهوم، جایگاه و شیوه‌های گوناگون آن آشنا می‌شویم.

الف) مفهوم «امر به معروف و نهی از منکر»

«معروف» به کار خوب و ارزشمندی گفته می‌شود که مورد تأیید عقل و شرع باشد. «منکر» نیز به کار زشت و ناپسندی اطلاق می‌شود که عقل و شرع آن را تأیید نکنند. در این درس، منظور از «معروف» فقط کارهای واجب، و مقصود از «منکر» فقط کارهای حرام است. توصیه به انجام کار واجب را «امر به معروف» و توصیه به ترک گناه و کار حرام را «نهی از منکر» می‌گویند. این توصیه معمولاً از طریق گفتن انجام می‌شود، ولی منحصر به آن نیست، و به وسیله اشاره، تذکر کتبی و کلمات غیر مستقیم نیز می‌توان امر به معروف و نهی از منکر نمود. لحن گفتار در امر به معروف و نهی از منکر همیشه یکسان نیست و بستگی به شرایط دارد؛ از توصیه دوستانه گرفته تا دستور جدی و لحن آمرانه. دقیقاً مانند پدر و مادری که برای تربیت فرزندشان گاهی با مهربانی، او را راهنمایی می‌کنند و گاهی با لحن شدید، او را توبیخ یا سرزنش می‌کنند. هدف یک چیز است: کمک به فرزندشان و دورنگه داشتن او از خطرات اشتباهات.

«امر به معروف» و «نهی از منکر» در حقیقت دو واجب جداگانه‌اند که معمولاً با یکدیگر نام برده می‌شوند، و از نظر مفهوم و مصداق با یکدیگر تفاوت دارند. اگر واجبی، مانند نماز خواندن، ترک گردد، جای «امر به معروف» است، و اگر معصیتی، مانند غیبت یا دروغ انجام شود، محل «نهی از منکر» است. در نتیجه، این دو فریضه، کاربردهای جداگانه داشته و دو واجب به شمار می‌آیند.

فعالیت کلاسی

واژه «امر» در اصطلاح «امر به معروف» به چه معنایی است و با معنای رایج آن در زبان فارسی چه تفاوتی دارد؟



ب) اهمیت «امر به معروف و نهی از منکر»

اگر در یک جامعه «امر به معروف و نهی از منکر» ترک شود، سایر واجبات، مانند نماز و روزه نیز کم کم به فراموشی سپرده خواهد شد. به همین دلیل در روایات، «امر به معروف و نهی از منکر» از واجبات دیگر، برتر شمرده شده و نسبت به بی‌اعتنایی به آن هشدار شدید داده شده است.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«همه اعمال نیک و (حتی) جهاد در راه خدا در برابر «امر به معروف و نهی از منکر» مانند قطره‌ای در برابر دریاست»^۱.

آن حضرت در سخنی دیگر درباره ترک «امر به معروف و نهی از منکر» می‌فرماید:
«خداوند سبحان مردمان گذشته را تنها به این دلیل از رحمت خویش محروم ساخت که «امر به معروف و نهی از منکر» را ترک کردند»^۲.

در قرآن کریم نیز حکایت عبرت‌آموزی درباره بی‌توجهی برخی، نسبت به گناهان دیگران نقل شده که نتیجه آن چنین است:

«تنها کسانی را که «نهی از منکر» کردند نجات دادیم و بقیه را به سبب گناه، یا ترک نهی از منکر به عذابی سخت مبتلا نمودیم»^۳.

با توجه به آیه ابتدای درس، چه ارتباطی میان رواج «امر به معروف و نهی از منکر» و یک جامعه نمونه وجود دارد؟

فعّالیت کلاسی



۱- نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲

۳- سوره اعراف، آیه ۱۶۵

ج) شیوه‌های «امر به معروف و نهی از منکر»

همان‌طور که اشاره شد امر و نهی، شیوه‌های گوناگون دارد: از توصیه‌ی دوستانه تا دستور آمرانه. از گفتار صریح تا درخواست غیرمستقیم. قهر و مبارزه‌ی منفی تا قیام و حرکت. چنان‌که قیام امام حسین علیه‌السلام برای تحقق این دو فریضه صورت گرفته است.

امر به انجام دادن کارهای واجب، امری واجب و سفارش کردن به انجام مستحبات، امری مستحب به‌شمار می‌رود. همین‌طور زشتی برخی گناهان، شدیدتر بوده و نهی از آنها اولویت بیشتری دارد. به همین جهت، «نهی از منکر» یک حاکم ظالم، و یا «امر به معروف» مسئولان حکومتی، از با ارزش‌ترین اعمال محسوب شده و نتایج آن به‌مراتب از امر و نهی‌های جزئی بیشتر است. قیام مردم ایران علیه شاه و تشکیل جمهوری اسلامی ایران، نمونه‌ای از این نوع امر به معروف و نهی از منکرهاست.

امروزه رسانه‌های صوتی و تصویری و مکتوب تأثیر فراوانی در هدایت افکار عمومی جامعه دارند و با روش‌های پیشرفته، ارزش‌های یک جامعه را دگرگون می‌کنند. این کار نه با نام «امر به معروف و نهی از منکر»، بلکه با عنوان جذّاب تبلیغات و به‌طور غیرمستقیم و غیرمحسوس صورت می‌گیرد. تأمل در این شیوه‌ها، راهنمای ارزنده‌ای جهت شناخت روش‌های مناسب «امر به معروف و نهی از منکر» خواهد بود.

روش‌های غیرمستقیم به علت اینکه مقاومت کمتری در برابر آن صورت می‌گیرد و مخاطب احساس شرمندگی و حقارت نمی‌کند، مؤثرتر از روش‌های مستقیم و اشاره‌ی صریح است، ولی به‌کارگیری این روش‌ها نیازمند ابتکار و اندیشه است. نمونه‌ی مشهور این روش، رفتار امام حسن علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام در سنین کودکی با پیرمرد مسلمانی است که اشتباه وضو می‌گرفت و آن دو بزرگوار، از پیرمرد درخواست کردند که قضاوت کند کدام یک بهتر وضو می‌گیرد. و بدین‌صورت بدون هیچ کلامی، پیرمرد اشتباه خود را متوجه شد و از ایشان تشکر نمود.^۱

نمونه‌ی دیگر، برخورد امام کاظم علیه‌السلام با بُشر حافی است که در خانه‌اش مجلس عیش و نوش برقرار بود و امام خطاب به خدمتکار وی فرمود: «صاحب این منزل بنده است یا آزاد؟» زمانی

۱- بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۸۴

که خدمتکار با غرور پاسخ داد: «صاحب اینجا آزاد است»، امام فرمود: «بله. آزاد است، اگر بنده بود این طور در منزلش بساط گناه برپا نمی کرد.» هنگامی که این جملات سنجیده به گوش صاحبخانه رسید او را سخت متحوّل کرد و پابرهنه به دنبال امام افتاد و از گناه خود چنان توبه نمود که شهرهٔ تاریخ گشت.^۱

چند نمونه از روش‌های غیرمستقیم امر به «معروف» و نهی از «منکر» را در جامعه مثال بزنید.

فعالیت کلاسی



د) امر به معروف، و وظیفهٔ حکومت است یا مردم؟

سکوت نکردن در برابر انحراف و ظلم، وظیفه همه است و اختصاص به عده‌ای خاص ندارد. همان طور که افراد یک جامعه، وظیفه دارند یکدیگر و مسئولان را «امر به معروف و نهی از منکر» کنند، حکومت نیز وظیفه دارد مانع انجام منکر و ترک معروف در جامعه گردد. در گذشته‌ای نه چندان دور، تشکیلاتی به نام «حسبیه» در حکومت‌های اسلامی وجود داشت که بر رفتارهای اجتماعی مردم و کسب و کار آنها نظارت می کرد. همان کاری که امروزه «شهرداری»ها و «نیروی انتظامی» انجام می دهند. اما به تدریج این نهاد حکومتی کم رنگ شد و از میان رفت.

امروزه نیز، از سویی وظیفهٔ حکومت است که مردم را به معروف دعوت کند و از منکرات باز دارد و از سوی دیگر وظیفهٔ مردم است که اگر منکری از مسئولی دیدند، ساکت ننشینند و به نحو مناسب جلوی او را بگیرند. در این میان، مطبوعات و رسانه‌ها می توانند نقش پررنگ تری ایفا کنند.

۱- الکنی واللقاب، محدث قمی، ج ۲، ذیل عنوان «الحافی» ص ۱۵۳ به نقل از علامه در منهاج الکرامه

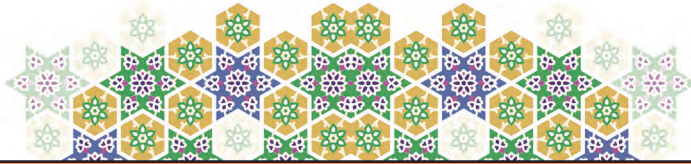
بیندیشیم و پاسخ دهیم

- ۱ انسان در زندگی خود به طور ناخودآگاه «امر به معروف یا نهی از منکر» های فراوانی انجام می‌دهد. نمونه‌هایی از آن را در زندگی خود بیابید و در کلاس مطرح نمایید.
- ۲ چرا افراد گناهکار با آنکه خود به گناه آلوده‌اند، گاه دیگران را به ناپاکی متهم و آنها را سرزنش می‌کنند؟
- ۳ با انجام گناه در جامعه، چه ضررهایی به دیگران می‌رسد؟
- ۴ هدف و ثمره «نهی از منکر» چیست؟

با مراجعه به نامه ۴۷ و خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه آثار فردی و اجتماعی ترک «امر به معروف و نهی از منکر» را بیان کنید.

تحقیق کنید





درس دوم



امر به معروف و نهی از منکر (۲)

وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ
وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ
وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

و باید از میان شما، گروهی (مردم را) به کارهای خیر
دعوت کنند، و به کار نیک فرمان دهند و از کارهای زشت
باز دارند. آنان همان رستگاران اند.

۱-سوره آل عمران، آیه ۱۰۴



■ در درس قبل با مفهوم، اهمیت و انواع «امر به معروف و نهی از منکر» آشنا شدیم. در این درس، شرایط و وجوب، روش انجام و مراتب امر به معروف و نهی از منکر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) شرایط و وجوب

«امر به معروف و نهی از منکر» جزء واجبات کفایی است؛ یعنی از کارهایی است که انجام آن بر همه واجب است و اگر همه از انجام آن شانه خالی کنند، همگی گناهکار خواهند بود و در صورتی که با انجام یک فرد یا گروه، منکر ترک و معروف انجام شود، وظیفه از سایرین ساقط می‌شود. در صورت مشاهده ترک واجب یا ارتکاب معصیت و وجود برخی شرایط، «امر به معروف و نهی از منکر» بر افراد مطلع واجب می‌شود.

این شرایط عبارت‌اند از:

۱ **تشخیص معروف و منکر**: اولین شرط امر به معروف و نهی از منکر، اطلاع از احکام شرع و موارد واجب و حرام است. اگر امر و نهی، علم کافی نداشته باشد و مصادیق معروف و منکر را به درستی تشخیص ندهد، به جای کمک به تقویت دینداری در جامعه، موجب گمراهی مردم و تبدیل مستحبات به واجبات یا مکروهات به محرمات، می‌شود. بنابراین، شرط اول آن است که بدانند آنچه ترک شده، واجب بوده است و آنچه انجام گرفته منکر است.

۲ **مفسده نداشتن**: اگر نهی، موجب مفسده بزرگ‌تر از ترک واجب یا انجام منکر باشد، نه تنها واجب نیست؛ بلکه حرام است؛ مثلاً اگر نهی از منکر در حضور دیگران، موجب ریختن آبروی فرد مسلمان در جامعه شود، جایز نیست و باید به زمان و مکان مناسب‌تری موکول شود. همچنین اگر این کار مستلزم انجام گناهی دیگر باشد جایز نیست؛ مانند ورود به حریم شخصی افراد، تجسس، افشای سرّ و ...؛ زیرا تجسس در امور شخصی افراد جایز نیست و حرام است.

۳ **قصد تکرار گناه**: در صورتی که فرد خطاکار از کار خود پشیمان شده و قصد انجام مجدد گناه را نداشته باشد، وجوب تذکر ساقط می‌شود.

۴ **احتمال تأثیر**: از دیگر شرایط وجوب، مؤثر بودن یا احتمال تأثیر است. اگر قرائن به

گونه‌ای است که شخص تشخیص می‌دهد «امر به معروف و نهی از منکر» تأثیر نمی‌گذارد، بر او واجب نیست، گرچه ممکن است مستحب باشد. اگر احتمال تأثیر عکس دهد، انجام آن جایز نیست؛ بلکه باید با تغییر روش و در فرصت و شرایط مناسب به انجام آن اقدام کند.

گاهی تأثیر، مستلزم تکرار امر و نهی و مداومت در گفتن است که در این صورت، عدم تأثیر یک باره، موجب رفع وجوب امر به معروف نمی‌شود و باید تذکر را تکرار نمود. گاهی نیز تغییر رفتار، مستلزم صبر و مداومت چند ماهه یا چندین ساله است.

به‌طور کلی، کمتر موردی یافت می‌شود که امر به معروف و نهی از منکر بی تأثیر باشد؛ آنچه مهم است یافتن شیوه و روش مناسب می‌باشد.

تذکر: کسی که «امر به معروف یا نهی از منکر» می‌کند، خودش نیز باید عامل به معروف و تارک منکر باشد تا سخنش در دیگران تأثیر بگذارد. و در حقیقت چه کسی سزاوارتر از خود، برای اجرای آن معرفی است که دیگران را به سوی آن فرا می‌خوانیم؟ بنابراین، هم خودمان به دستورات دین عمل کنیم و هم دیگران را به آن فرا بخوانیم. البته عمل به گفتار خود، شرط وجوب «امر به معروف و نهی از منکر» نیست و بهانه‌ای جهت انجام ندادن آن به شمار نمی‌رود، ولی شرط تأثیر در مخاطب است.

هیچ یک از ما معصوم نیستیم و ممکن است گاهی مرتکب خطا یا اشتباه شویم. همین اندازه که نسبت به آن کاری که می‌خواهیم به آن، امر یا نهی کنیم عامل باشیم، کافی است تا مورد اعتراض قرار نگیریم. البته سخن افراد پاکیزه و درستکار، به مراتب تأثیر بیشتری نسبت به افراد عادی دارد و همان‌طور که در کتاب‌های اخلاقی نمونه‌هایی از این تأثیرات ذکر شده، گاهی موجب تحول افراد گناهکار می‌گردد.

شنیدن موعظه از شخصی که خود به آن عمل نمی‌کند، چه تأثیری می‌تواند بر ما داشته باشد؟

تأمل



ب) مراتب امر به معروف و نهی از منکر

برای انجام «امر به معروف و نهی از منکر» مراتبی وجود دارد که شامل درجات خفیف تا شدید است، و تا زمانی که درجه خفیف کافی باشد نباید از درجه شدیدتر استفاده نمود. این مراتب، عبارت‌اند از:

۱ **مرتبه قلبی:** بدترین حالت در جامعه آن است که فرد، امری ناپسند یا مورد نیاز را در جامعه مشاهده نماید ولی در وجود خود نسبت به آن بی تفاوت باشد. در این مرتبه، شخص، ناراحتی قلبی خود را به سبب مشاهده گناه، از طریق چهره، طرز نگاه یا رفتار به مخاطب انتقال می‌دهد و به مخاطب می‌فهماند که کارش اشتباه است و مورد رضایت و تأیید نیست. این مرتبه، خود دارای درجات متعدد است که از حالت صمیمانه و دوستانه آغاز، و به حالت جدی و غیر محبت‌آمیز می‌تواند منتهی شود.^۱

۲ **مرتبه زبانی:** در صورتی که مخاطب با زبان رفتار متوجه زشتی عمل خود نشود و از آن دست بردارد، نوبت به مرحله زبانی می‌رسد؛ صحبت، سؤال، نصیحت، تشویق و توصیه، از درجات خفیف این مرتبه‌اند؛ گاهی نیز لازم است از مراحل شدید زبانی مانند سرزنش و بازخواست استفاده نمود. تشخیص مرحله و درجه مناسب، بستگی به شرایط زمانی و مکانی دارد و باید با دقت تمام، صورت گیرد.

۳ **مرتبه عملی:** این مرتبه عبارت است از دور نمودن ابزار گناه، جلوگیری از انجام گناه، تدبیر عملی برای انصراف فرد از معصیت و مشغول نمودن وی به کارهای مفید، آموزش عملی ترک منکر و انجام معروف از طریق عمل به معروف و ترک منکر و الگو بودن برای دیگران، و به طور کلی؛ تمام اقدامات عملی جهت دور نمودن فرد از محیط گناه.^۲

تذکر: مراحل شدید استفاده از زور که ممکن است به ضرب و جرح منجر شود جایز نیست، مگر در مورد دفاع از جان و ناموس خود یا دیگران. همچنین اگر اسلام در خطر باشد، با اذن امام معصوم علیه السلام یا ولی فقیه باید به مقابله با دشمنان اسلام پرداخت. از این رو، جهاد در برابر دشمنان نیز نوعی «امر به معروف و نهی از منکر» عملی محسوب می‌شود.

۱- با اینکه اثرات این مرتبه گاهی مؤثرتر از مرتبه زبانی است، بسیاری از متدینین از اهمیت آن غافل‌اند و فقط از تذکر زبانی استفاده می‌کنند. گاهی نیز در صورت مؤثر واقع نشدن تذکر زبانی، استفاده از این مرتبه (مانند قهر کردن یا بی‌اعتنایی کردن) بسیار مؤثر است.

۲- برای آگاهی بیشتر درباره امر به معروف عملی رجوع کنید به: حماسه حسینی، ج ۲، ص ۹۶ به بعد.

حکایتی دربارهٔ «امر به معروف و نهی از منکر» به شیوهٔ جاهلانه

شهید بزرگوار مرتضی مطهری رحمته الله علیه چندین حکایت از روش‌های نادرست امر به معروف و عواقب آن را نقل نموده که یکی از آنها چنین است:

«یکی از آقایان نقل می‌کرد که مردی در مشهد، نه تنها نماز نمی‌خواند و روزه نمی‌گرفت؛ بلکه به هیچ چیزی اعتقاد نداشت؛ یک آدم ضدّ دین بود؛ می‌گفت مدت زیادی با این آدم صحبت کردیم تا اینکه نرم شد و روش خود را به کلی تغییر داد و واقعاً معتقد و مؤمن شد. نمازش را می‌خواند و روزه‌اش را می‌گرفت و مقید شده بود که نمازش را با جماعت در مسجد گوهرشاد بخواند. در جلسات مذهبی ما هم شرکت می‌کرد. مدتی دیدیم که از این آقا خبری نیست. گفتیم لابد رفته است مسافرت، ولی رفقا گفتند اینجاست و نمی‌آید. تحقیق کردیم ببینیم علت چیست که یک مرتبه از دین و مذهب رو برگردانده؟ به سراغش رفتیم. معلوم شد قضیه از این قرار بوده است:

پس از چند روز که به نماز جماعت می‌رفت و در صف چهارم، پنجم می‌ایستاد، یک روز یکی از مقدس‌مآب‌هایی که در صف اول پشت سر امام می‌نشست موقع نماز از صف اول بلند می‌شود و می‌آید و روبه‌روی این آدم می‌نشیند و می‌گوید: «آقا! یک سؤال از شما دارم؛ شما مسلمان هستید یا نه؟» این بیچاره با تعجب پاسخ داد: «این چه سؤالی است که شما می‌کنید؟ اگر مسلمان نباشم، پس در صف جماعت مسجد چه کار می‌کنم؟!» جواب داد: «اگر مسلمانی پس چرا ریشت را این‌طور کرده‌ای؟». او هم به‌شدت ناراحت شده، برمی‌خیزد و می‌گوید: «این مسجد و این نماز جماعت و این دین و مذهب مال خودتان!». رفت که رفت.^۱

استاد ضمن نقل این حکایت و تأسف دربارهٔ آن می‌گوید: «این هم یک جور به اصطلاح «نهی از منکر» کردن است. یعنی فراری دادن و بیزار کردن مردم از دین!».

برای همین ائمهٔ دین فرموده‌اند: **جاهل بهتر است امر به معروف و نهی از منکر نکند؛ زیرا جاهل هنگامی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند می‌خواهد بهتر کند؛ اما**

۱- حماسهٔ حسینی، ج ۲، ص ۱۰۹-۱۰۰

بدتر می‌کند. شاید شما بگویید ما جاهلیم، پس امر به معروف و نهی از منکر از ما ساقط شد! اما جواب شما را داده‌اند؛ خدا عقل را برای چه آفریده است؟ برای اینکه بفهمی، تحقیق کنی. تو باید از آن کسانی باشی که نه تنها اوضاع زمان خودت را درک کنی؛ بلکه آینده را نیز بفهمی و درک کنی.^۱

بیندیشیم و پاسخ دهیم

- ۱ تفاوت انسان فاسق را با انسانی که ناخواسته مرتکب گناهی شده است بیان نموده، روش نهی از منکر هر یک را توضیح دهید.
- ۲ مضرات روش های نادرست «امر به معروف و نهی از منکر» را بشمارید.
- ۳ آیا توهین، سرزنش، تحقیر، ضرب و شتم، و هتک آبرو، جزء روش های «امر به معروف و نهی از منکر» محسوب می‌شوند؟ چرا برخی افراد از این روش ها استفاده می‌کنند؟
- ۴ در حکایت پیشین، اشتباه عمده‌ای که از سوی آن فرد مقدس مآب صورت گرفت، چیست؟ و شیوه صحیح نگرش و رفتار را در موارد مشابه بیان نمایید.

تحقیق کنید

دلایل کم‌رنگ شدن «امر به معروف و نهی از منکر» در جامعه را برشمارید و راه‌های گسترش «معروف» را در جامعه پیشنهاد دهید.



۱- حماسه حسینی، ج ۲، ص ۸۲ و ۸۳



درس سوم

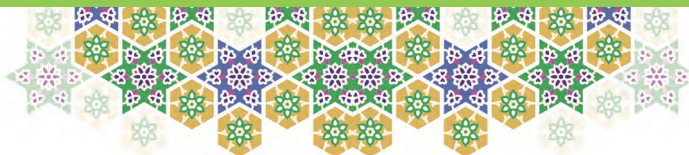


دفاع و جهاد

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ
وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ
وَاعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا
وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ
وَاعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا
وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ ۗ

بر شما کارزار (در راه خدا) تکلیف شده
ولی برایتان ناخوشایند است.
و چه بسا چیزی را خوش نمی‌دارید،
ولی خیر شما در آن است،
و چه بسا چیزی را دوست دارید،
ولی برای شما بد است.

۱- سوره بقره، آیه ۲۱۶





■ در دو درس قبلی به «امر به معروف و نهی از منکر» پرداختیم و در این درس با احکام دفاع و جهاد که نوعی نهی از منکر به‌شمار می‌رود، آشنا می‌شویم.

الف) مفهوم جهاد

جهاد عبارت است از تلاش و مبارزه در راه خداوند و دفاع از مسلمانان و مظلومان، به‌منظور برپاداشتن حق و عدالت و برطرف ساختن ظلم و تجاوز و فتنه و فساد.

ب) انواع جهاد

جهاد انواعی دارد:

۱ جهاد دفاعی: عبارت است از دفاع در برابر تجاوز دشمن به حریم مسلمانان.

۲ جهاد ابتدایی: عبارت است از جهاد با کفار برای برچیدن نظام ظلم و گسترش عدالت. هدف از این نوع جهاد، کشورگشایی نیست؛ بلکه هدف آن، رفع موانع سلطه‌گران و بهره‌مندی مردم از حق هدایت و آشنایی با اسلام، و برخوردارگی از حق آزادی و عدالت است.

فعالیت کلاسی



- ۱- برای هر یک از اقسام جهاد، یک یا چند مثال تاریخی بزنید.
- ۲- آیا جهاد ابتدایی جنگ طلبی به حساب می‌آید؟ برای پاسخ به این سؤال به توصیه‌های پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به امام علی رضی الله عنه قبل از آنکه ایشان را روانه یمن بنماید مراجعه کنید. (اصول کافی، ج ۱، ص ۳۵۵)

به این آیات توجه کنید :

- ۱ «و بجنگید - در راه خدا- با کسانی که به جنگ با شما برخاسته‌اند، ولی از حد تجاوز نکنید که خداوند متجاوزان را دوست ندارد».^۱
- ۲ «و اگر دو گروه مؤمن، به منازعه برخاستند، بین آن دو صلح برقرار کنید. و اگر یکی از آنها، به دیگری حمله کرد، با گروه متجاوز بجنگید تا به اطاعت امر خداوند بازگردد؛ و در صورت بازگشت، میان آن دو صلح و آشتی عادلانه برقرار سازید».^۲
- ۳ «و با آنها بجنگید، تا دیگر فتنه‌ای نباشد و دین، مخصوص خداوند گردد. و اگر (از روش خود) دست برداشتند، تجاوز جز بر ستمکاران روا نیست».^۳

تأمل



- ۱- موارد صحیح جنگ با دشمن و موارد آتش‌بس با دشمن را با توجه به آیات قرآن بیان کنید.
- ۲- تفاوت آتش‌بس با دشمن، به سبب مصالح شرعی و عقلی، با سازش و ترس از دشمن را توضیح داده، معیارهایی جهت تشخیص این مصالح ارائه دهید.

۱- سوره بقره، آیه ۱۹۰

۲- سوره حجرات، آیه ۹

۳- سوره بقره، آیه ۱۹۳

ج) انواع دفاع

دفاع انواع گوناگونی دارد که در اینجا به بررسی دو نوع مهم آن می‌پردازیم :

۱ دفاع از کیان اسلام و حریم مسلمانان : اگر دشمن، به شهر یا مرز یک کشور اسلامی هجوم آورد، و خطر، جامعه اسلامی و مسلمانان را تهدید کند، بر همه مسلمانان واجب است تا به هر وسیله ممکن، با بذل مال یا جان خویش، از حریم اسلام و مسلمانان دفاع نمایند و به اجازه امام معصوم یا ولی فقیه نیازی نیست. کشتگان در این دفاع، شهید محسوب می‌شوند. تهاجم دشمن گاهی نظامی است و گاهی فرهنگی؛ گاهی جهت تصرف سرزمین یا بخشی از آن است و گاهی جهت تسلط سیاسی یا اقتصادی بر جامعه. گاه مسلمانان و گاه غیر مسلمانان در تمام این حالات بر هر مکلف واجب است از وطن، فرهنگ، مال و جان و ناموس مسلمانان محافظت کرده و با کمک مالی، فکری، عملی و اهدای جان خود، به دفاع برخیزد. اگر این خطر وجود داشته باشد که کفّار از نظر سیاسی و اقتصادی بر مسلمانان مسلط شوند، دفاع واجب است؛ چه از طریق مقابله به مثل و به کارگیری وسایل و روش‌های دشمن، و چه از طریق مقاومت منفی و تحریم کالای دشمن، یا قطع ارتباط سیاسی، اقتصادی با آنان.



فعالیت کلاسی

- ۱- مقصود دشمن از حمله به کشورهای مسلمان، تأمین چه اهدافی است؟
- ۲- در جهان امروز، چه توجیهاتی برای تهاجم به کشورها یا شهرها به کار گرفته می‌شود؟
- ۳- کوتاه آمدن مسلمانان در برابر بیگانگان چه عواقبی به همراه دارد؟

آشنایی با برخی احکام و آداب دفاع و جهاد

- دفاع از اسلام و مسلمانان واجب است و نیازمند اجازه والدین نیست، هر چند سزاوار این است که حتی المقدور رضایت آنان نیز جلب شود.
- فردی که در میدان جهاد با کفار یا مشرکان کشته می‌شود، بدون غسل و کفن و با همان لباس‌های جنگ به خاک سپرده می‌شود. اما افرادی که خارج از معرکه جهاد به شهادت می‌رسند، باید غسل و کفن شوند.
- تمام گناهان شهید، به جز حق الناس، به هنگام شهادت بخشیده می‌شود.
- از آداب جهاد این است که در صورت امکان، ابتدا دشمن را موعظه کنند، و در صورتی که صادقانه پذیرفتند، با آنان قرارداد صلح امضا نمایند. مسلمانان وظیفه دارند تا زمانی که دشمن آن را نقض نکند، به این قرارداد پایبند باشند و مال و جان آنان را محترم شمارند.
- سرنوشت افرادی که در جنگ به اسارت درمی‌آیند در اختیار امام معصوم علیه السلام یا ولی فقیه است.

۲ دفاع از جان، ناموس و اموال خود: دفاع از جان و ناموس و مال خود، در برابر افراد ظالم و متجاوز واجب است و در صورت کشته شدن، اجر شهید را خواهد داشت؛ ولی به خطر انداختن جان، به واسطه گفتار بی‌ثمر یا رفتار نسنجیده، در جایی که ضرورت یا فایده‌ای ندارد، جایز نیست و حتی امر به معروف نیز محسوب نمی‌شود.

اگر فرد متجاوز، به انسان هجوم آورد و خواست او را به قتل برساند، واجب است به هر وسیله ممکن، او را دفع کند و جایز نیست که تسلیم وی شده، تن به ظلم دهد. و اگر امکان داشته باشد که از جنگ مهاجم فرار کند، چنین کاری جایز است و اگر متجاوز پا به فرار گذاشت جایز نیست به او ضربه‌ای وارد کند، وگرنه ضامن است.

اگر مهاجم قصد جان یا ناموس فرد را داشته باشد، حتی اگر دفاع کننده یقین دارد که مقابله با او سودی ندارد و در این دفاع کشته می‌شود، دفاع کردن واجب است. اما اگر قصد مهاجم فقط بردن اموال او باشد، اگر یقین داشته باشد که در هنگام دفاع کشته می‌شود، دفاع واجب نیست؛ زیرا حفظ جان از حفظ مال مهم‌تر است. و اگر به تنهایی قدرت دفاع از جان خود نداشته باشد، کمک گرفتن از دیگری واجب است؛ هر چند که او کافر باشد.

تأمل



- ۱- چرا تسلیم نشدن در برابر ظلم، مورد تأکید اسلام است؟
- ۲- چرا یاری گرفتن از کافر، برای دفع ظلم، ناپسند نیست؟
- ۳- آیا دفاع از یک کشور و سرزمین خاص، مد نظر اسلام می باشد یا حکم و جوب دفاع، شامل تمام سرزمین های اسلامی می شود؟

دفاع از خویشان و بستگان مانند فرزند و همسر و دفاع از افراد مظلوم و بی گناه، مانند دفاع از خود، واجب و احکام آن یکسان است.

در دفاع، رعایت مراتب، لازم است و تازمانی که با اقدام خفیف تر می توان خطر را برطرف نمود، نباید دست به کار شدیدتر زد؛ مثلاً اگر مهاجم با تهدید یا بستن دست و پا یا مجروح ساختن از کار خود دست برمی دارد، باید به همان اکتفا نمود. و اگر دفع تجاوز فقط به وسیله کشتن متجاوز میسر می شود، جایز است او را به قتل برساند.^۱

اما اگر بداند که با مراعات ترتیب، وقت از دست می رود و دزد یا ظالم، بر جان یا ناموس وی غالب می شود رعایت ترتیب لازم نیست.

برای مطالعه

اگر دو نفر به ناحق با یکدیگر درگیر شوند، آغازکننده ضامن^۲ است و دفاع کننده ضامن نیست، اما اگر هم زمان به یکدیگر حمله ور شده باشند، هر یک ضامن جنایت وارده بر دیگری است، و اگر در هنگام درگیری، یکی دست از حمله بردارد و دیگری به او حمله کند و خسارتی بر او وارد آورد، تنها او ضامن است.

۱- در مواردی که برای دفاع از خود، زدن و زخمی کردن و کشتن مهاجم جایز است، منظور جواز شرعی است؛ اما از نظر قانونی، قاضی طبق ظاهر و موازین قضایی حکم می کند. بنابراین، اگر کسی را به قتل برساند و شاهی بر حقانیت خود نداشته باشد، قاضی مطابق مقررات، وی را محکوم به قصاص می کند.

۲- یعنی نسبت به تلف شدن جان و مال طرف مقابل، تکلیفی بر عهده او می باشد.

- ۱ هدف از تشریح حکم جهاد را در اسلام بیان نمایید.
- ۲ تفاوت جهاد با جنگ افروزی چیست؟

تحقیق کنید

۱- برخی معتقدند جنگیدن و دفاع، به هیچ وجه صحیح نیست، و برای پرهیز از جنگ و درگیری، باید از حق خود گذشت و به برخی از خواسته‌های دشمن تن داد. نظر شما درباره این عقیده و عواقب آن چیست؟ آیا چنین روشی در جهان امروز امکان‌پذیر است؟ نمونه‌های آن را بیان نمایید.

۲- قیام کربلا، انقلاب اسلامی ایران، هشت سال دفاع مقدس، جنگ ۳۳ روزه لبنان و دفاع ۲۲ روزه غزه، نمونه‌هایی از جهاد و دفاع اسلامی‌اند. یکی از این موارد را از لحاظ هدف و شرایط تحلیل کنید و با توجه به کتاب «جنگ و جهاد در قرآن»، نوشته آیت‌الله مصباح یزدی، به اشکالات مخالفان جهاد پاسخ دهید.



درس چهارم

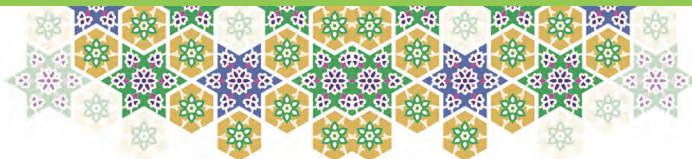


حدود معاشرت محرم و نامحرم

فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا
تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ
قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ
لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا

پس یکی از آن دو زن (دختران شعیب)
در حالی که با حیا راه می‌رفت،
نزد وی (حضرت موسی) آمد (و) گفت: پدرم
از شما دعوت می‌کند
تا (به نزدش بروید و او) پاداش آب دادن
(به گوسفندان ما) را به شما پرداخت کند.

۱- سوره قَصَص، آیه ۲۵



■ این درس نیز مانند دو درس پیشین دربارهٔ احکام اجتماعی اسلام است. در این درس با احکام مربوط به حدود ارتباطات محرم و نامحرم آشنا خواهیم شد.

مقدمه

مردم هر جامعه، اعم از مرد و زن، در زمینه‌های گوناگون با یکدیگر در ارتباط اند و در این ارتباط گاهی نیازمند گفت و گو، دیدار و تبادل نظرند. این امور شامل مسائل اقتصادی (خرید و فروش)، اجتماعی (رابطه با اقوام، همسایگان، دوستان و دیگران) و آموزشی می‌گردد. شکل این روابط در هر جامعه‌ای آداب و رسوم مربوط به خود را دارد. دین اسلام نیز در مورد نحوهٔ ارتباط صحیح و مناسب با دیگران، احکامی مقرر کرده که در اینجا برخی از آنها که مربوط به ارتباط محرم و نامحرم است مطرح خواهد شد.



الف) فلسفه تبیین حدود معاشرت

احکام و دستورات دین در حوزهٔ محرم و نامحرم که به‌عنوان «بهترین روش در تعامل افراد اجتماع»، از سوی خداوند حکیم به جهانیان ارائه شده است، جهت برقراری روابط سالم اجتماعی، تأمین سلامت روحی و روانی افراد، استحکام بنیان خانواده، و نیز حضور بدون مفسده‌ای مردان و زنان در فعالیت‌های اجتماعی وضع شده و اجرای آن موجب کاهش جرم و جنایت، مزاحمت‌های اجتماعی، اختلافات خانوادگی، و امکان حضور بدون دغدغهٔ افراد «عقیف»، «پاک» و «باغیرت»، با رعایت آراستگی ظاهری در جامعه خواهد شد.

ب) تعریف محرم و نامحرم

افراد جامعه به دو گروه «محرم» و «نامحرم» تقسیم می‌شوند؛ محرم کسی است که از بستگان نزدیک محسوب می‌شود و ازدواج با او برای همیشه ممنوع است؛ مانند پدر و مادر و برادر و خواهر. محارم می‌توانند با یکدیگر صحبت محبت‌آمیز داشته باشند، به چهره و موی دیگری نگاه بیندازند. دست دادن و دیده‌بوسی میان محارم مجاز است. «نامحرم» کسی است که معاشرت با وی محدودیت‌های شرعی و عرفی دارد و تنها با ازدواج، این محدودیت‌ها برداشته می‌شود.

ج) انواع محارم

محارم به سه گروه تقسیم می‌شوند: نسبی، سببی و رضاعی.

۱ نسبی (خویشاوندی): یعنی کسانی که به‌واسطهٔ خویشاوندی با انسان «محرم» می‌باشند. این گروه عبارت‌اند از: پدر، مادر، فرزند، خواهر، برادر، دایی، عمو، خاله، عمه، پدربزرگ، مادربزرگ، نوه، فرزند خواهر (خواهرزاده)، فرزند برادر (برادرزاده). بنابراین، دخترعمو، پسرعمو، دختردایی، پسر دایی، دخترخاله، پسرخاله، دخترعمه، پسرعمه، گرچه از خویشان هستند، اما همگی «نامحرم» هستند. همچنین زن‌عمو، زن‌دایی، شوهرخاله، و شوهرعمه نیز «نامحرم» می‌باشند. «فرزندخوانده» نیز حکم فرزند حقیقی را ندارد و «نامحرم» محسوب می‌شود.

۲ سببی: یعنی کسانی که به‌سبب ازدواج به انسان «محرم» می‌شوند و عبارت‌اند از:

همسر، مادر همسر، پدر همسر، همسر فرزند (داماد یا عروس)، همسر پدر (نامادری)، همسر مادر (ناپدری). این محرمیت‌ها در تمام موارد دائمی است^۱، به جز زن و شوهر که در صورت طلاق، و پس از گذشت عده^۲، به یکدیگر نامحرم می‌شوند.

تذکر مهم: شوهر خواهر، زن برادر، خواهر زن، و برادر شوهر، همگی نامحرم‌اند. این را هم بدانیم که خواهر زن، با وجود اینکه نامحرم است، ازدواج با او جایز نیست، اما اگر همسر انسان فوت نماید یا طلاق صورت گیرد، ازدواج با وی جایز خواهد بود.

۳ رضاعی: یعنی کسانی که به واسطه «شیر خوردن از یک مادر، با یکدیگر محرم می‌شوند». اگر مادری بچه شیر خواره دیگری را، با شرایطی که در کتاب‌های فقهی آمده است، شیر دهد، آن کودک، فرزند رضاعی آن مادر محسوب شده، و علاوه بر محرمیت با مادر، با نوزادانی که از آن مادر شیر خورده‌اند، محرم می‌شود؛ البته این محرمیت فقط مخصوص طفل شیر خوار بوده و شامل برادر یا خواهر وی نمی‌گردد.

د) حدود و احکام ارتباط با نامحرم

۱ تماس بدنی: هرگونه تماس بدنی با نامحرم، حرام است. و فقط محارم‌اند که حق دارند در معاشرت‌های خود، با یکدیگر دست داده، روبوسی کرده و یکدیگر را در آغوش بگیرند.

۲ خلوت با نامحرم: حضور دو نامحرم در مکانی که شخص دیگری به آنجا رفت و آمد ندارد حرام است، حتی اگر برای کار خیر باشد. باقی‌ماندن در آن مکان حرام و حتی نماز خواندن در آن مکان اشکال دارد. آن دو نفر در صورت مواجه شدن با چنین شرایطی، واجب است فوراً آنجا را ترک کنند.

۳ گفت و گو: گفت و گو با نامحرم در صورت ضرورت، با رعایت حدود شرعی جایز، و بیش از حد ضرورت، مکروه است. اما ارتباط صمیمانه و دوستی با نامحرم، هر چند به قصد کسب تجربه یا همسریابی باشد، جایز نیست. روش برقراری ارتباط نیز تفاوتی ندارد؛ هرگونه نامه‌نگاری، ارتباط اینترنتی (چت)، پیامک یا گفت و گوی تلفنی، باید در چارچوب شرع باشد. فردی که قصد جدی و آمادگی لازم برای ازدواج را دارد، مجاز است با اجازه و نظارت

۱- به عنوان نمونه، محرمیت با مادرزن که حتی پس از جدایی زن از شوهر از بین نمی‌رود.
۲- عده، مدت زمانی است که زن پس از جدایی با مرگ شوهرش باید از ازدواج خودداری کند.

خانواده دو طرف، سوالات خود را از طرف مقابل بپرسد، به شرطی که از حدود شرعی خارج نشود و فضای گفت و گو از حالت عادی و رسمی خارج نگردد.

بیندیشیم و پاسخ دهیم

- ۱ چرا دین اسلام در مورد معاشرت محرم و نامحرم محدودیت‌هایی را ایجاد کرده است؟
- ۲ در صورت از بین رفتن این محدودیت‌ها چه اتفاقاتی در جامعه رخ خواهد داد؟
- ۳ بهترین راه انتخاب و شناخت همسر مناسب چیست؟

۱- توجهات برخی جوانان درباره برقراری رابطه و گفت و گو با نامحرم را بررسی کرده و با توجه به ابعاد مثبت و منفی این ارتباطات، پاسخ‌های منطقی و قابل قبولی برای آن ارائه نمایید.

۲- با مطالعه آیات ۲۳ الی ۲۶ سوره قصص، و با یاری از تفاسیر قرآن، حدود ارتباطات اجتماعی زن و مرد را ترسیم نمایید.

۳- شرایط تحقق محرمیت رضاعی را از رساله‌های توضیح المسائل استخراج و در کلاس درس ارائه کنید.

تحقیق کنید





درس پنجم



احکام پوشش و نگاه

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ
ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ
وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ
فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا
وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ
إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ
بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي
أَخْوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ
غَيْرِ أَوْلِي الإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا
عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ
بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ
جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

۱- سورة نور، آیات ۳۰ و ۳۱



به مؤمنان بگو: چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند، و عفاف خود را حفظ کنند، این برای آنان پاکیزه‌تر است؛ خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است. و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند، و دامان خویش را حفظ کنند، و زینت خود را — جز آن مقدار که نمایان است — آشکار ننمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)، و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پسرانشان، یا پسران همسرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم‌کیششان، یا بردگانشان [کنیزانشان]، یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانی‌شان دانسته شود (و صدای خلخال که بر پا دارند به گوش رسد). و همگی به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان، تا رستگار شوید!



■ در درس پیش، برخی حدود ارتباط با نامحرم مطرح گردید. در این درس با موضوع مهم در این ارتباط، یعنی «پوشش» و «نگاه» آشنا خواهیم شد.

الف) پوشش

رعایت پوشش مناسب در محیط جامعه و خانواده از وظایف یک مسلمان است. لباس علاوه بر زیبایی و حفظ بدن از آسیب‌های محیطی و گرما و سرما، نمادی از فرهنگ و شخصیت فرد است و یک نوع شعار محسوب می‌شود. به همین دلیل، انتخاب نامناسب آن می‌تواند موجب آسیب اجتماعی و نگاه نادرست دیگران گردد. آراستگی و پرهیز از ژولیدگی، جزء دستورات دین است و اولیای الهی در کنار تهذیب نفس و زیبا نمودن باطن، به دستورات دین درباره پاکیزگی و آراستگی ظاهر اهمیت می‌دادند، تا حدی که آراستگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله زبانه زد عام و خاص بود. پوشیدن لباس سفید، استعمال بوی خوش، شانه زدن مو، در کنار دستورات متعدد طهارت و شست و شو، غسل و وضو، همه نشان از پسندیده بودن این صفت در اسلام دارد.^۱ این آراستگی نیز، حدودی دارد که اگر از آن تجاوز شود، نامطلوب و گاهی مضر خواهد بود.^۲

■ احکام مشترک پوشش برای مردان و زنان

اسلام ضمن پذیرش تنوع و گوناگونی نوع پوشش در مناطق مختلف و زمان‌های گوناگون، بر حفظ وقار و شخصیت اشخاص در جامعه تأکید نموده و هماهنگی نوع لباس را با ارزش‌های اخلاقی لازم می‌داند. به همین منظور احکام ذیل وضع گردیده است:

- ۱- پوشیدن لباس شهرت که فرد را نزد مردم انگشت‌نما می‌کند حرام است.
- ۲- استفاده از لباس مختص غیرمسلمانان، گروه‌های گمراه، و افراد بدنام، غیرجایز و حرام است.
- ۳- هر پوششی که متناسب با شأن فرد نباشد و موجب وهن شخصیت او در اجتماع شود ممنوع است.
- ۴- تشبیه مرد به زن و بالعکس حرام است؛ این تشبیه شدن شامل: نوع لباس، نوع آرایش مو، ابرو و سایر موارد می‌شود.

۱- برخی از این روایات چنین است: دو رکعت نماز با بوی خوش، بهتر از هفتاد رکعت نماز بدون بوی خوش است (ثواب الاعمال صدوق، ص ۳۶۲). خداوند از اینکه کسی خود را ژولیده نشان دهد بدش می‌آید (امالی طوسی، ج ۱، ص ۲۷۵). آراستگی از صفات مؤمنان است (غزرا الحکم، ج ۱، ص ۳۰۷).

۲- برای اطلاع بیشتر از آداب پوشش، به کتاب «مفاتیح الحیاة» آیت‌الله جوادی آملی مراجعه نمایید.

۵- هر نوع پوشش که موجب جلب توجه نامحرم و تحریک او می‌شود، ممنوع است.

تأمل

دربارهٔ حکمت چهارم، تأمل کرده و عواقب مراعات نشدن آن را بیان کنید.



■ پوشش زنان (حجاب)



■ فلسفهٔ حجاب

۱ **محافظة از نعمت زیبایی و ظرافت**: خداوند، زنان را از نعمت زیبایی و ظرافت بیشتری بهره‌مند ساخته است؛ این خصوصیت موجب توجه بیشتر مرد به همسر خویش و استحکام بنیان خانواده می‌شود. در مقابل، زن می‌بایست **محافظة** بیشتری از خود به عمل آورد تا این زیبایی، مورد سوء استفادهٔ دیگران قرار نگیرد. دو صفت «حیا» و «عفت» بهترین ابزار محافظت از این نعمت است که در زنان، بیش از مردان قرار داده شده است. حیا و عفت درونی، پوشش مناسب بیرونی را می‌طلبد و حجاب اسلامی، در راستای تقویت حیا و عفت گام برمی‌دارد.

۲ **جلوگیری از فروپاشی خانواده:** حفظ حریم خانواده، وظیفه همه اعضای خانواده است. بی توجهی به حجاب موجب جلب نگاه‌های ناپاک به حریم پاک خانواده، گسترش روابط نادرست بیرون خانه و متزلزل شدن خانواده می‌گردد.

۳ **حیای فطری:** انسان‌ها به‌طور فطری از نمایان شدن اندام خود و در معرض قرار گرفتن آن، حیا می‌کنند؛ لذا از دیرباز گرایش به پوشش و عفاف، کم و بیش، در میان زنان و مردان تمام اقوام و ملت‌ها وجود داشته، و امری فطری به شمار می‌رفته است. البته هر قوم آداب مربوط به خود را در پوشش داشته است. بنابراین، داشتن حجاب و پوشش مناسب محتاج استدلال نیست؛ بلکه بدپوششی و برهنگی عصر جدید جای سؤال و تعجب دارد.

برای مطالعه

علل گرایش به خودنمایی

نیاز به توجه، تحسین و پذیرش از سوی اجتماع، از نیازهای انسان است. در دوره نوجوانی، برخی نیازها پررنگ‌تر می‌شوند و بیشتر خود را نشان می‌دهند؛ مانند محبوبیت و جلب توجه.

روش صحیح به دست آوردن مقبولیت اجتماعی، تلاش علمی، خلاقیت، پشتکار، سودرسانی، مفید واقع شدن و جلب اعتماد دیگران است؛ ولی برخی با استفاده از روش‌های ناصحیح مانند: پوشیدن لباس‌های نامناسب، آرایش غلیظ، مدل‌های عجیب مو، سیگار کشیدن، و انجام رفتارهای پرخطر، به دنبال خودنمایی و جلب توجه دیگران اند.

قرآن کریم مظاهر عفاف را برای مردان و زنان معرفی کرده است. آیا می‌توانید آنها را نام ببرید؟

فعالیت کلاسی



۴ کاهش گناه و منکرات : پوشش مناسب زن علاوه بر آنکه موجب حفظ خود و امنیت خانواده می‌شود، باعث عفت بیشتر مردان و کاهش میزان گناه در جامعه می‌گردد. بنابراین، زنان نه تنها مسئول حفظ امنیت و معنویت خود هستند؛ بلکه کلیددار سلامت جامعه از فساد و فحشا و گسترش منکرات اند.

رعایت حریم‌ها و دستورات دین موجب افزایش سلامت اخلاقی جامعه، و سوق به معنویت و پاکی می‌گردد. چنین جامعه‌ای بهتر می‌تواند مسیر پیشرفت را بییماید.

۵ شناخته شدن زنان پاک : قرآن کریم یکی از فواید حجاب را شناخته شدن زنان عقیف و پاکدامن از زنان ناپاک دانسته و کاهش مزاحمت‌های اجتماعی را نتیجه آن شمرده است.

۶ افزایش آرامش روانی : با کاهش نگاه‌های بیرونی دغدغه‌های مختلف درونی در محیط کار و اجتماع به شدت کاهش یافته و آرامش روحی جایگزین می‌گردد. رقابت‌های نامناسب در محیط کاهش می‌یابد و مردان و زنان با آرامش بیشتری به کار مشغول‌اند.

۷ حضور امن در فعالیت‌های اجتماعی : یک زن متدین، با رعایت حجاب و سایر احکام معاشرت، می‌تواند در کمال امنیت در جامعه فعالیت نموده و کمترین مزاحمت را شاهد باشد. اگر حجاب نبود، زنان پاکدامن مجبور به کناره‌گیری از فعالیت‌های اجتماعی و عرصه‌های عمومی بودند. دین اسلام، راه میانه بین خانه‌نشینی زن و حضور بی‌محابای وی در جامعه را به عنوان بهترین روش حضور زن در جامعه ارائه نموده است.

۸ توجه به جنبه انسانی به جای جنبه جنسیتی : یکی از مهم‌ترین ثمرات حجاب، تغییر نگاه جنسیتی به نگاه انسانی است. در طول تاریخ، زنان همواره به دلیل جذابیت و زیبایی مورد توجه بوده‌اند. رعایت حجاب و عفاف موجب می‌شود تا توجه به جنبه انسانی وی برجسته گردد و شخصیت انسانی، جایگزین جذابیت جنسیتی شود.

با مطالعه مطالب پیشین و مراجعه به تفسیر آیه ۵۹ سوره احزاب، مصونیت‌بخشی حجاب و نقش آن در امنیت اجتماعی را تبیین نمایید.

فعالیت کلاسی



■ حجاب در سایر ادیان و دیگر ملت‌ها

در طول تاریخ، گرایش به پوشش و عفاف یک گرایش فطری در میان زنان و مردان بوده، و شکل آن، رابطه مستقیمی با سطح اعتقاد و پایبندی به اصول و ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی آن جامعه داشته است. ادیان الهی از دیرباز بر رعایت آداب معاشرت، از جمله پوشش، تأکید ورزیده و دینداران به آن پایبند بوده‌اند. زنان یهودی و مسیحی هنگام حضور در اجتماعات، موی سر خود را می‌پوشانند و راهبه‌های مسیحی سعی در حفظ کامل حجاب دارند؛ دارا بودن حجاب کامل، نشانه عفت و پاکدامنی بیشتر و پایبندی به احکام دین و تقرب به خداوند تلقی می‌شده است.



زنان ایرانی قبل از پیدایش اسلام، عموماً پیرو آیین زرتشت بودند و با پوشش کامل در مکان‌های عمومی رفت و آمد می‌کردند. مردان ایرانی نیز همان‌گونه که در نقش‌های باستانی تخت‌جمشید نمایان است دارای لباس‌های بلند، و کلاهی جهت پوشش موی سر بوده‌اند. تالار زنان نیز از مردان جدا بوده است.

■ **حجاب در اسلام:** دین اسلام نیز مانند ادیان قبل از خود، بر رعایت پوشش و عفاف تأکید کرده و حدود آن را کامل‌تر و دقیق‌تر تبیین نموده است. در آیه ۳۱ سوره نور می‌خوانیم:

وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا
وَلِيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ
و زینت‌های خود را آشکار نسازند،

مگر آن (زینتی) که (به طور طبیعی) ظاهر و آشکار است؛ (مانند چهره)؛
و باید روسری خود را بر روی سینه و گریبان خویش بیندازند.

■ **حدود حجاب برای زنان:** زنان موظف‌اند پوشش خود را به گونه‌ای تنظیم نمایند که علاوه بر موی سر، گریبان و گردن آنها را هم بپوشانند، و به‌جز صورت و دو دست (از مچ تا سر انگشتان)، می‌بایست تمام بدن خود را از نامحرم بپوشانند. البته صورت و دست‌ها نیز با دو شرط می‌تواند بدون پوشش باشد:

۱- نداشتن زینت و آرایش،

۲- نداشتن مفسده.

حجاب، فقط پوشاندن ظاهر اندام‌ها نیست؛ بلکه پوشاندن حجم اندام‌ها و پرهیز از امور تحریک‌کننده را نیز شامل می‌شود. بنابراین، پوشیدن لباس‌های تنگ و چسبان و رنگ‌های تحریک‌کننده جایز نیست. بهترین نوع پوشش که حجم بدن را نیز می‌پوشاند «چادر» است که از دیرباز انتخاب زنان ایرانی و مسلمان بوده است.

ب) نگاه

از دیگر احکام معاشرت محرم و نامحرم، رعایت حدود نگاه است. در عرصه اجتماع، نگاه حدودی دارد که رعایت آن موجب حفظ حریم شخصی دیگران، و پاک ماندن دل می‌گردد.

با تأمل در آیه ۳۱ سوره نور نکات زیر به دست می‌آید:

۱- مردان وظیفه دارند از نگاه به زنان نامحرم خودداری کنند.

۲- خودداری از نگاه به نامحرم، موجب سالم ماندن قلب از آلودگی و دور شدن انسان از لغزش می‌شود.

۳- زنان نیز وظیفه دارند از نگاه غیر ضروری به نامحرم بپرهیزند و دامان خود را از نگاه حفظ نمایند.

■ حدود نگاه:

۱- به جز زن و شوهر، نگاه به افراد دیگر به قصد لذت‌جویی حرام است؛ خواه محرم باشد یا نامحرم، مرد باشد یا زن، کودک باشد یا بالغ، پیر باشد یا جوان، نگاه به صورت باشد یا عضوی دیگر.

- ۲- نگاه کردن به صورت زن نامحرم، در صورتی که زن آرایش نداشته باشد و مرد قصد لذت نداشته باشد، جایز است. هرچند بهتر است در موارد غیر ضروری از نگاه به صورت نامحرم پرهیز شود (به خصوص در مورد جوانان).
- ۳- نگاه به حریم خصوصی دیگران، (مانند نگاه به داخل منزل، اسناد، موبایل و...) تجسس محسوب شده و حرام است.
- ۴- نگاه به مو و بدن محارم، بدون قصد لذت جایز است، اما شایسته این است که اعضای بدن در حد معمول پوشانده شود، به ویژه در مقابل جوان و نوجوان.
- ۵- نگاه به تصویر نامحرم، اگر نگاه کننده، او را بشناسد نیز مانند نگاه مستقیم به او جایز نیست.

در خصوص نگاه به زنان مسلمان و غیرمسلمان در فیلم‌ها و سریال‌های خارجی به فتوای مرجع تقلید خود مراجعه کنید.

فعالیت کلاسی



چند مسئله

- ۱- همان‌طور که نظر کردن مردان به بدن زنان مجاز نیست، نگاه کردن زنان به بدن مرد نیز حرام است.
- ۲- در صورتی که مرد با رعایت نکردن پوشش مناسب موجب به گناه افتادن دیگران شود واجب است خود را بپوشاند.
- ۳- در صورتی که معالجه به وسیلهٔ پزشک مُماتِل (= هم‌نوع) میسر باشد، معاینه توسط پزشک غیرمماثل جایز نیست، و پزشک محرم محسوب نمی‌شود. در صورت عدم دسترسی به پزشک هم‌جنس، و در صورت اضطرار، به شرطی نگاه و لمس اعضای بدن نامحرم، جایز است که برای معالجه نیاز به نگاه یا لمس، ضروری بوده و از طریق غیرمستقیم (مانند به‌کارگیری ابزار) ممکن نباشد. در صورتی که معالجه فقط از طریق نگاه بدون نیاز به لمس، و یا با لمس بدون نگاه میسر است باید به همان اکتفا شود. در هر صورت، پزشک باید فقط به مقدار ضرورت اکتفا کند و تعدی از آن جایز نیست؛ (مثلاً اگر معاینه با دستکش انجام‌پذیر است، به همان اکتفا کند).

بیندیشیم و پاسخ دهیم

۱. مزیت‌های پوشش مناسب نسبت به پوشش نامناسب چیست؟
۲. عوامل گرایش به بدحجابی چیست؟
۳. مدگرایی چه آثار سوئی می‌تواند به دنبال داشته باشد؟
۴. ارتباط رعایت حجاب را با افزایش امنیت و رضایت از زندگی شرح دهید.
۵. ارتباط بدحجابی را با افزایش طلاق و جرم و جنایت توضیح دهید.

تحقیق کنید

- ۱- درباره عواقب نگاه آلوده و تأثیر آن در ارتکاب گناه مقاله‌ای تهیه کنید و در کلاس مطرح نمایید.
- ۲- بی‌توجهی برخی جوامع مسیحی به امر پوشش بدن و موی سر از چه زمانی آغاز گردیده و چه عللی داشت؟
- ۳- درباره کشف حجاب در دوران پهلوی و برنامه استعمار در ترویج بی‌حجابی مقاله‌ای تهیه و در مدرسه ارائه نمایید.



درس هشتم



تفریح، قمار، موسیقی

امام کاظم علیه السلام :

اجتهدوا فی أن یكونَ زمانُکم أربعَ ساعاتٍ؛ ساعةً لمُنَاجاةِ
اللّهِ و ساعةً لِأمرِ المَعاشِ و ساعةً لِمعاشرةِ الإخوانِ و الثّقاتِ
الَّذینَ یَعرفونَکم غیوبَکم و یُخْلِصونَ لَکم فی الباطنِ و
ساعةً تَخلونَ فیها لِذاتِکم فی غیرِ مُحَرَّمٍ و بِهذهِ السّاعةِ
تَقْدِرونَ عَلی ثلاثِ ساعاتٍ^۱.

تلاش کنید که اوقاتان شامل چهار بخش باشد :

زمانی برای مناجات با خداوند،

و زمانی برای کسب روزی و امرار معاش،

زمانی برای دیدار و گفت‌وگو با برادران دینی و افراد مورد اعتماد که

عیب‌هایتان را گوشزد و قلباً با شما مخلص و یکره هستند،

و زمانی نیز برای بهره‌مندی از لذت‌های حلال؛

و به واسطه این زمان است که توانایی استفاده از سه زمان

دیگر را به دست می‌آورید.

۱- کتاب تحف العقول، ص ۴۰۹



■ آخرین مبحث از احکام اجتماعی که مورد بررسی قرار خواهد گرفت، درباره تفریحات سالم و ناسالم است، که از آن موارد، به احکام ورزش، بازی، قمار و موسیقی اشاره خواهیم کرد.

استراحت و تفریح

دین اسلام علاوه بر توجه به معنویت، مشوق سلامت جسمانی و شادی و رضایت روحی است. یک دین کامل زمانی تحقق می‌یابد که نه تنها برای سعادت اخروی، بلکه برای زندگی دنیوی انسان نیز برنامه و دستور داشته باشد. در نظام معرفتی اسلام، دنیا متاعی برای ساختن آخرت است و برای بهره‌مندی صحیح از آن باید برنامه‌ریزی نمود.

همانگونه که جسم انسان از کار و تلاش خسته می‌شود و به استراحت نیاز دارد، روح آدمی نیز نیازمند تجدید قوا و محتاج نشاط است. «اوقات فراغت» زمان‌هایی است که انسان جهت استراحت تن و بازپروری روح، دست از کار روزانه می‌شوید و با پرداختن به امور نشاط‌آور و مفید، نیرویی دوباره جهت ادامه تلاش و کار به دست می‌آورد.

همان‌گونه که سال قبل خواندیم ارتباط روح با جسم و تأثیر آن‌دو بر یکدیگر، لزوم توجه به هر دو بُعد را نمایان می‌سازد؛ و نیک گفته‌اند که: «عقل سالم در بدن سالم است». توجه اسلام به سلامتی و بهداشت، و دستورات گوناگون آن؛ شامل: طهارت و نجاست، مستحبات و مکروهات، و حرمت استفاده از برخی مواد مضر برای سلامتی بدن، همگی نشان از توجه به سلامتی جسم در کنار توجه به خودسازی و سلامتی روح دارد.



استفاده صحیح از اوقات عمر، از دستورات مؤکد اسلام برای زندگی سالم و ببرکت است. در این میان، ساعاتی را باید به کار و کسب یا تحصیل علم و دانش اختصاص داد، ساعاتی را برای عبادت و ارتباط با پروردگار، ساعاتی برای خواب و استراحت، و ساعاتی نیز جهت تفریح و شادی مشروع و حلال.

ساعات تفریح و استراحت، در حقیقت زمینه‌ساز آمادگی برای دیگر ساعات است. انسانی که در زندگی هدفمند است و خواهان بهره‌وری از سرمایه بزرگ عمر است، با برنامه‌ریزی و تفکر صحیح، اوقات فراغت خود را به نحو مناسب پر کرده و خستگی را از جسم و روح می‌زداید.

اسلام و تفریح

اسلام با تفریح و شادی که موجب نشاط و شادابی در کار و زندگی شود، نه تنها مخالف نیست؛ بلکه در روایات، به اختصاص ساعاتی از روز به آن توصیه شده است. البته تفریح و شادی که اسلام به آن سفارش نموده، کارهایی مانند ورزش و سفر است که موجب نشاط جسم و روح می‌شود و اگر کاری باعث ضربه زدن به جسم یا روح شود، جایز نیست؛ لذا در اسلام، بازی با آلات قمار و گوش دادن به موسیقی‌های مبتذل و استعمال مواد مخدر که برخی جوانان امروز به عنوان راه تفریح انتخاب کرده‌اند، حرام است؛ زیرا موجب ضرر به جسم یا روح جوان می‌شود.

یکی از بازی‌های رایانه‌ای یا تفریحات متداول امروزه را انتخاب نموده و فواید و مضرات آن را بنویسید.

پیشنهاد



الف) ورزش: ورزش و تحرک جسمانی، علاوه بر تقویت و سالم‌سازی قوای جسمی، موجب نشاط و سلامت روحی می‌شود. در دین اسلام نیز ضمن توصیه به کار و فعالیت، به امر ورزش توجه خاصی شده است که در این میان، ورزش شنا از جایگاهی خاص برخوردار بوده و «بهترین سرگرمی مؤمن» معرفی شده است.

البته اعتدال و میانه‌روی در همه کارها، از جمله ورزش مورد سفارش اسلام است؛ زیرا توجه بیش از اندازه به ورزش یا پیگیری بازی‌های ورزشی، مانع توجه لازم به درس یا دیگر وظایف فردی و خانوادگی می‌شود.



ب) قمار و شرط‌بندی: قمار یکی از تفریحات ناسالم و حرام است. قمار عبارت است از بازی با وسایل مخصوص (آلات قمار) به قصد بُرد و تصاحب پول دیگری البته بازی با این وسایل به قصد بازی و سرگرمی نیز حرام است، حتی اگر پای برد و باخت در میان نباشد و پولی ردّ و بدل نشود.^۱

جدا از بازی قمار، شرط‌بندی (به معنای عرفی آن) نیز حرام است و پول حاصل از آن نامشروع بوده و تصرف در آن جایز نیست (حتی اگر با رضایت دو طرف باشد).

نشستن در مجلسی که در آن قمار انجام می‌شود نیز ممنوع و حرام است؛ این کار علاوه بر

۱- بازی شطرنج که گفته می‌شود امروزه از ابزار مخصوص قمار خارج شده و جنبه بازی فکری پیدا نموده است، بنا به فتوای برخی از مراجع (مانند حضرت امام) بلاشکال و بنا بر فتوای برخی علما، کماکان حکم قمار را داشته و حرام است. اما بازی با دیگر ابزار قمار که هنوز مصداق قمار دارند (مانند پاسور)، به فتوای تمام فقها حرام است، حتی اگر فقط به قصد سرگرمی و بازی انجام شود.

تأیید و تشویق آنان به ادامه و تکرار گناه، تأثیرات روحی – معنوی نامطلوبی بر اشخاص حاضر در مجلس می‌گذارد. وظیفه شخص در این گونه موارد، ابتدا موعظه و نهی از منکر، و در صورت تأثیر نداشتن، ترک مجلس گناه است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ
رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.
إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي
الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيُضِدَّكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ
مُنْتَهُونَ^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شراب و قمار و بت‌ها و تیرهای قرعه [نوعی بخت‌آزمایی]، پلیدند و از عمل شیطان‌اند، از آنها دوری گزینید تا رستگار شوید. همانا شیطان می‌خواهد در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند، به وسیله شراب و قمار، و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد. آیا (با این همه زیان و فساد، و با این نهی اکید) خودداری خواهید کرد؟

با توجه به مضمون آیه زیر، حکمت تحریم قمار را بیان نموده و عواقب آن را توضیح دهید.

فعالیت کلاسی



ج) موسیقی: لذت بردن از آواز خوش، جزو خصوصیات ذاتی انسان است. قرائت قرآن با صدای خوش و گفتن اذان با صوت دلنشین مورد سفارش اسلام است.

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ:

لِكُلِّ شَيْءٍ حَلِيَّةٌ وَحَلِيَّةُ الْقُرْآنِ الصَّوْتُ الْحَسَنُ.

هر چیزی زینتی دارد و زیبایی بخش قرآن، صوت زیباست.^۲

۱- سوره مائده، آیات ۹۰ و ۹۱

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۵



- موسیقی عبارت از نوای خوشی است که از حنجرهٔ انسان یا ابزار خاص تولید شده و گونه‌های مختلفی دارد. موسیقی به دو دسته حلال و حرام تقسیم می‌گردد.
- معیارهای تشخیص موسیقی حرام عبارت‌اند از:
- ۱- هرگونه آوازی که ریتم یا محتوای آن مخصوص مجالس گناه باشد.
 - ۲- هرگونه ساز موسیقی که مخصوص مجالس لهو و لعب باشد.
 - ۳- هرگونه موسیقی که محتوای باطل، کفرآمیز یا تحریک‌کننده داشته باشد.
 - ۴- شنیدن آواز زن نامحرم که موجب مفسده گردد.

بیندیشیم و پاسخ دهیم

- ۱ «اوقات فراغت» خود را چگونه صرف می‌کنید؟ چه مقدار از آن مفید است؟
- ۲ روش‌های «شاد زیستن» را برشمارید. مهم‌ترین عامل احساس شادمانی چیست؟
- ۳ برخی از تفریحات کم‌هزینه و در دسترس را نام ببرید.
- ۴ برخی ضررهای گوش کردن به موسیقی را نام ببرید.



درس هفتم

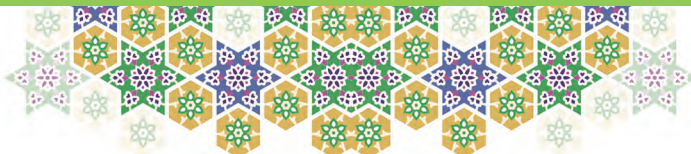


زکات

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً
 تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ
 إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ
 وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ^۱

از اموال آنها صدقه‌ای (به عنوان زکات) بگیر،
 تا بدین وسیله، آنها را پاک‌سازی و پرورش دهی و
 (به هنگام گرفتن زکات،) برای آنها دعا کن که دعای تو،
 مایه آرامش آنهاست و
 خداوند شنوا و داناست.

۱- سوره توبه، آیه ۱۰۳



■ درس‌های قبلی به احکام اجتماعی اختصاص داشت. از این درس به بعد، با احکام اقتصادی اسلام آشنا خواهیم شد. اولین مبحث مربوط به زکات است.

معنای زکات

کلمه «زکات» در زبان عربی دو معنا دارد: ۱- زیاد شدن؛ ۲- پاک شدن. اصطلاح «زکات» در فقه اسلامی به معنای جدا ساختن بخشی از اموال و پرداخت آن به نیازمندان و صرف در امور خیر است. پرداخت زکات مانند جدا کردن شاخه‌های زائد از درخت، موجب پر بار شدن آن می‌گردد. همچنین سبب پاک شدن مال به سبب ادای حق محرومان می‌شود.



اهمیت و فایده زکات

براساس روایات، اهمیت زکات آن قدر زیاد است که بدون پرداخت آن، نماز انسان مقبول حق واقع نمی‌شود.^۱ و فقری گرسنه نماند مگر به خاطر کوتاهی مردم در ادای زکات؛ و مالی در خشکی یا دریا از بین نرفت مگر به سبب پرداخت نکردن زکات.^۲ پرداخت زکات مانند سایر انفاق‌ها، غیر از آثار مادی، یعنی سیر کردن گرسنگان و رفع حاجت نیازمندان، آثار معنوی دیگری نیز به همراه دارد، مانند برکت یافتن مال، حفظ دارایی از بلا، پاکیزگی روح و توفیقات معنوی.

۱- امام باقر علیه السلام: مَنْ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَلَمْ يُؤْتِ الزَّكَاةَ لَمْ يُقِمِ الصَّلَاةَ. (کافی، ج ۳، ص ۵۰۶).
۲- امام صادق علیه السلام. (کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۷).

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید :

إِذَا مَنْعُوا الزَّكَاةَ مَنَعَتِ الْأَرْضُ بَرَكَتَهَا
مِنَ الزَّرْعِ وَالنِّمَارِ وَالْمَعَادِنِ كُلِّهَا.^۱

هنگامی که مردم از پرداخت زکات خودداری کنند، زمین نیز برکت خویش را از محصولات کشاورزی، میوه درختان و معادن گوناگون دریغ می کند.

زکات، عامل افزایش اموال

مردم همواره دوستدار افزایش دارایی خود می باشند. برخی با کار و تلاش سالم، و برخی با بخل، برخی با دریافت سود بیش از حد، و برخی با رباخواری. به تصور بسیاری از مردم، پرداخت زکات موجب خسارت مالی و کاهش سرمایه است^۲، در حالی که خداوند روزی آفرین و روزی ده، راه افزایش دارایی را پرداخت قسمتی از مال خود به نیازمندان اعلام نموده و رباخواری را موجب زیان و خسارت معرفی می نماید؛ زیرا که خداوند، خیر و برکت را از ربا برداشته و به زکات منتقل نموده است.

يَمَحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ^۳

خداوند، ربا را نابود می کند و صدقات را افزایش می دهد.

چگونه ممکن است زکات و انفاق موجب افزونی مال شود، ولی رباخواری موجب افزایش نشود؟ احتمالات گوناگون را در معنای آیه بررسی کنید. می توانید از تفسیر المیزان کمک بگیرید.

فعالیت کلاسی



۱- کتاب کافی، ج ۲، ص ۳۷۴

۲- «وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ مَغْرَمًا»؛ یعنی «و گروهی از اعراب آنچه را انفاق می کنند زیان تلقی می کنند»، سوره توبه، آیه ۹۸

۳- سوره بقره، آیه ۲۷۶

موارد تعلق زکات مالی

زکات بر نه چیز واجب است :

- (الف) غلات و محصولات کشاورزی : ۱- گندم ۲- جو ۳- خرما ۴- انگور (کشمش، مویز)
 (ب) دامها : ۵- شتر ۶- گاو ۷- گوسفند
 (ج) سکه‌ها (نقدین) : ۸- طلا ۹- نقره.

حد نصاب در زکات

زکات اموال مذکور در صورتی واجب است که به حد معین یا تعداد خاصی برسد، که به آن «حد نصاب» می‌گویند. و اگر کمتر از آن باشد، زکاتش واجب نیست. هر یک از این اموال نه‌گانه، حد نصاب‌های خاص خود را دارد.

برای مطالعه

به‌طور نمونه، اولین حد نصاب گوسفند ۴۰ رأس است؛ یعنی اگر دامدار کمتر از چهل گوسفند داشته باشد، در آن سال زکات بر او واجب نیست. در صورت داشتن ۴۰ تا ۱۲۰ گوسفند، یک گوسفند را باید به عنوان زکات پردازد. حد نصاب دوم گوسفند، ۱۲۱ تا ۲۰۰ است و در ازای آن، باید دو گوسفند بدهد. حد نصاب سوم، ۲۰۱ است، و به همین ترتیب. **حد نصاب‌ها :**

نوع	نصاب اول	میزان زکات	نصاب دوم	میزان زکات	نصاب سوم	میزان زکات	نصاب چهارم	میزان زکات
گوسفند	۴۰ رأس	یک گوسفند	۱۲۱ رأس	دو گوسفند	۲۰۱ رأس	سه گوسفند	۳۰۱ رأس	۴ گوسفند
شتر	۵ نفر	یک گوسفند	۱۰ نفر	دو گوسفند	۲۵ نفر	پنج گوسفند	۲۶ نفر	یک شتر دوساله
گاو	۳۰ رأس	یک گوساله دوساله	۴۰ رأس	یک گوساله سه‌ساله	۶۰ رأس	دو گوساله دوساله
گندم، جو، خرما، کشمش	۸۵۰ کیلوگرم	در صورت آبیاری به‌صورت دیمی یا قنات، $\frac{1}{10}$ در صورت آبیاری با دست یا چاه، $\frac{1}{20}$						
سکه طلا	۱۵ منقال	یک چهارم						
سکه نقره	۱۰۵ منقال	یک چهارم						

مصرف زکات

زکات در هشت مورد مصرف می‌شود.

إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ
وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ
وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً
مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ^۱

مصرف صدقات برای نیازمندان، مستمندان، متصدیان (وصول و پخش) آن، دلجویی‌شدگان، آزاد کردن بردگان، بدهکاران، انفاق در راه خدا و در راه ماندگان واجب شده است، خداوند دانای حکیم است.

۱ فقرا: فقیر فردی است که در اثر نداشتن شغل یا پیشامدهای ناگوار زندگی، یا کثرت افراد تحت تکفل، دچار کمبود درآمد است، و امکان پرداختن به کار بهتر را نیز ندارد. در نتیجه نمی‌تواند خرج سال خود و عائله‌اش را در حد حفظ آبرو و متناسب با شأن اجتماعی خویش به دست آورد.

با توجه به آیه ۲۷۳ سوره بقره، پنج مشخصه نیازمندان واقعی را استخراج نمایید.

فعالیت کلاسی



۲ مساکین: مسکین به فردی اطلاق می‌شود که به عللی مانند نقص عضو، بیماری، یا پیری، خانه‌نشین شده و قدرت کسب مخارج سالانه خود و خانواده‌اش را ندارد.

۱- سوره توبه، آیه ۶۰

۳ **عاملان** : کسانی هستند که مأمور گرفتن، نگهداری و محاسبهٔ زکات اند. سهمی از زکات به عنوان حق الزحمه به آنان پرداخت می‌شود.

۴ **ایجاد اُفت** : قسمتی از زکات به کفار و مسلمانانی که عقایدشان ضعیف است اعطا می‌شود تا علاقه مند به اسلام شده و با دشمنان متحد نشوند.

۵ **آزادی بندگان** : در صورت وجود انسان‌های دربند یا برده، سهمی از زکات جهت رها نمودن آنان از بند اسارت (و زندان) پرداخت می‌گردد.

۶ **بدهکاران** : از دیگر مصارف زکات، پرداخت بدهی و قرض افرادی است که بر اثر ورشکستگی (نه از روی سستی و کوتاهی)، قادر به پرداخت بدهی خود نیستند.

۷ **در راه خدا** : هرچه مربوط به مصالح عمومی جامعه و مسلمانان بوده و نیز هر چه موجب اعتلای اسلام و از بین رفتن فساد و فتنه از حوزهٔ اسلام یا مسلمانان می‌شود، از این قسم محسوب می‌گردد.

۸ **در راه ماندگان** : به مسافرانی که به علتی در غربت دچار بی‌پولی شده‌اند، از زکات به مقداری که آنها را به مقصد برساند پرداخت می‌گردد.

تذکر : صدقه بر دو نوع است : واجب (زکات) و مستحب. غیر سید نمی‌تواند به سید زکات (صدقهٔ واجب) دهد. ولی پرداخت صدقهٔ مستحبی به سادات اشکال ندارد.

چند مورد از تفاوت‌های زکات با مالیات را بیان نمایید.

فعالیت کلاسی



زکات بدن (فطریه)

این نوع از زکات، بنا به روایات، متمم روزه ماه مبارک رمضان است. مسلمانان مقارن با فرارسیدن عید فطر، و به پاس نعمت سلامتی و توفیق روزه‌داری، مقداری گندم یا خرما به نیازمندان می‌دهند تا آنان نیز در این روز بزرگ عیدی بگیرند.

مقدار زکات فطره: به ازای هر نفر، سه کیلوگرم گندم یا برنج یا خرما یا هر غذای متداول منطقه یا بهای آن به نیازمندان مؤمن پرداخت می‌گردد. فطریه غیر سادات نیز به سادات فقیر تعلق نمی‌گیرد.

زمان پرداخت: از غروب شب عید تا ظهر روز عید فطر. کسانی که امکان حضور در نماز عید را دارند، پیش از نماز عید باید آن را بپردازند یا از مال خود کنار بگذارند.

شرایط وجوب: افرادی که فقیر نیستند، واجب است فطریه خود و افراد تحت تکفل (نان‌خور) خویش، حتی نوزاد را پرداخت نمایند. کسی که فطریه‌اش بر دیگری واجب است، از عهده وی ساقط می‌شود، حتی اگر غنی باشد. و اگر بداند که سرپرست خانواده، زکات وی را نپرداخته یا فراموش کرده، پرداخت زکات بر وی واجب نیست، هر چند احتیاط مستحب این است که به جای آنها پرداخت کند.



بیندیشیم و پاسخ دهیم

۱ ارتباط میان خشکسالی و سیل را با پرداخت نکردن زکات چگونه توجیه می‌کنید؟

۲ اگر مردم مقید به پرداخت زکات باشند وضعیت جامعه چه تغییراتی خواهد نمود؟

تحقیق کنید

آثار فردی - اجتماعی پرداخت زکات، و آثار منفی بی‌توجهی به آن را بررسی و به عنوان یک کار تحقیقی در کلاس ارائه دهید.





درس هشتم



خمس

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ
 فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ، وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ
 وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ
 إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ ...

و بدانید هر گونه غنیمتی به دست آورید،
 یک پنجم آن برای خدا، و برای پیامبر، و برای خویشان (او)
 و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه (آنها) است،
 اگر به خدا ایمان آورده اید ...

۱- سورة انفال، آیه ۴۱



■ درس گذشته درباره زکات بود و این درس درباره برخی احکام خمس است.

خمس چیست؟

«خُمس» در لغت به معنای یک پنجم، و در اصطلاح شرعی به معنای جدا کردن یک پنجم از مازاد درآمد سالیانه و پرداخت آن به امام معصوم است. امام نیز آن را در موارد معین شرعی به مصرف می‌رساند. در زمان غیبت که به امام معصوم علیه السلام دسترسی نیست، مسئولیت وجوه شرعی بر دوش جانشینان عام وی، یعنی ولی فقیه یا مراجع تقلید است.

خمس و زکات، در حقیقت پرداخت قسمتی از همان مالی است که خداوند متعال به انسان عنایت نموده و جهت رفع نیازهای جامعه به کار گرفته می‌شود. بنابراین، انجام این وظیفه نه تنها متنی بر خدا و رسولش نیست؛ بلکه لطفی از سوی پروردگار است که موجب رفع فقر، کاهش فاصله طبقاتی، رشد جامعه، پاکی مال و روح انسان‌ها می‌گردد.

تصرف در مالی که به آن خمس تعلق گرفته جایز نیست و قبل از هرگونه تصرف باید خمس آن را جدا نمود. همین‌طور در مورد ارث، در صورتی که مشمول پرداخت خمس باشد، قبل از تقسیم بین ورثه باید خمس آن محاسبه و پرداخت گردد.

مصرف خمس

مطابق دستور الهی، نیمی از خمس، سهم امام معصوم و نیم دیگر سهم سادات فقیر است. سهم امام صرف نیازهای جامعه و مصالح اسلام و مسلمانان، مانند ساخت مسجد و مراکز دینی، تربیت مبلغان دینی و امور فرهنگی می‌شود. سهم دیگر، متعلق به سادات نیازمند است؛ چون خداوند برای تکریم و عزت پیامبر صلی الله علیه و آله و ذریه و فرزندان، دریافت صدقه و زکات را بر آنان حرام کرده است که البته فقط به اندازه احتیاج سالانه به آنان پرداخت می‌شود. در هر دو مورد، خمس باید توسط حاکم شرع (ولی فقیه یا مرجع تقلید) یا تحت نظر وی و با اجازه ایشان مصرف شود.

فلسفه نظارت حاکم شرع و مدیریت واحد مصرف خمس چیست؟
در صورت غیرمتمرکز شدن مصرف وجوهات، چه معایبی ممکن
است در جامعه رخ دهد؟



موارد تعلق خمس

به هفت مورد، خمس تعلق می‌گیرد. در اینجا ما فقط به دو مورد که کاربرد بیشتری دارد خواهیم پرداخت.

برای اطلاع از دیگر موارد و احکام آنها، به رساله‌های توضیح المسائل و دیگر کتب فقهی مراجعه نمایید.

۱ در آمد بیش از هزینه‌های سالیانه (مَثونَه): افراد جامعه با شغل‌های مختلف درآمدهای متفاوتی دارند؛ گاهی درآمد فرد، کفاف نیازهای اولیه و ضروری وی در زندگی را نمی‌دهد. در این صورت دیگران وظیفه دارند به وی کمک کنند تا از فقر نجات یابد. گاهی وضعیت مالی فرد به گونه‌ای است که محتاج دیگران نیست، ولی درآمدش بیشتر از مخارج معمول زندگی او نیست یا حتی کمتر است. اما گاهی درآمد شخص، بیشتر از نیاز او است. در این صورت یا آن مازاد را برای آینده پس انداز می‌کند، یا آن را سرمایه‌گذاری می‌کند، یا به افراد دیگر می‌دهد. به این مقدار مازاد، خمس تعلق می‌گیرد و باید یک پنجم آن مازاد را پرداخت کند.

در حقیقت هر مالی که انسان به دست می‌آورد، یک پنجم آن متعلق خمس است، اما جهت تخفیف، مخارج یک سال از شمول خمس معاف شده و فقط خمس مازاد بر مخارج سالانه واجب است.

«سال خمس» عبارت است از سالگرد اولین روز شروع کار یا کسب درآمد. با رسیدن سال خمس (سر سال)، انسان موظف است که یک پنجم از آنچه را خرج نشده است، به عنوان خمس جدا ساخته و پرداخت نماید. چهار پنجم باقیمانده را می‌تواند تا هر زمان که مایل بود نزد خود نگهداری و با آن را سرمایه‌گذاری نماید؛ به مال خمس داده شده در سال‌های دیگر

خمس تعلق نمی گیرد^۱.

فرار از خمس: برخی افراد برای فرار از پرداخت خمس، هنگام نزدیک شدن «سال خمسی»، اقدام به خرید وسایلی می کنند که فعلاً به آنها نیاز ندارند. چنین کاری بیهوده است و خمس آنها را نیز باید پرداخت کنند. همچنین اگر شخص با خرید وسایل تجملاتی یا غیر متناسب با جایگاه اجتماعی خود، اسراف و تبذیر کند، باید خمس آن وسایل و مقدار اسراف شده را بپردازد.

تأمل

به نظر شما، انگیزه فرار برخی افراد از پرداخت خمس چیست؟
توجیحات مختلف این افراد را بررسی نمایید.

۲ مال حلال مخلوط با مال حرام: دومین مورد وجوب خمس عبارت است از «مال حلال مخلوط با حرام» به گونه ای که تفکیک آن دو از یکدیگر ممکن نباشد؛ یعنی نه مقدار مال حرام مشخص باشد و نه صاحب آن (که از طریق او مقدار آن مشخص شود یا مصالحه انجام شود). در این صورت باید خمس تمام اموال را پرداخت نمود تا استفاده از مابقی جایز شود. نمونه رایج و مبتلا به آن، در مورد افرادی است که از ابتدای سن تکلیف، حساب خمسی نداشته اند و نمی دانند چه میزان خمس بر اموال آنها تعلق گرفته است.

فعالیت کلاسی

حکم مسئله را در صورت مشخص بودن مقدار مال حرام و نامعلوم بودن صاحب آن، و نیز در صورت معلوم بودن صاحب مال و مجهول بودن میزان مال بیان کنید.

۱- به اصطلاح فقهی: الْمُخْتَمَسُ لَا يُخَمَّسُ.

بیندیشیم و پاسخ دهیم

- ۱ اگر فرد از وسیله‌ای که خریداری کرده و فعلاً مورد نیاز وی نیست برای فرار از خمس چند بار استفاده کند آیا از شمول خمس خارج می‌گردد؟
- ۲ کسی که شغل و درآمد مستمر ندارد سال خمسی خود را چگونه باید تعیین کند؟
- ۳ آیا پرداخت خمس فقط مربوط به صاحبان مشاغل آزاد است؟ آیا ممکن است به کارمند یا دانش‌آموز نیز خمس واجب شود؟ (توضیح دهید)

تحقیق کنید

۱- آیا به پول پس‌اندازشده جهت تهیه مسکن یا خرید جهیزیه خمس تعلق می‌گیرد؟ نظر مرجع تقلید خود را در این باره به دست آورید.

۲- چنین مشهور است که «هدیه خمس ندارد»؛ با مراجعه به رساله (و استفتائات) مراجع تقلید تحقیق کنید که کدام یک از مراجع آن را واجب و کدام یک مستحب می‌دانند.



درس نهم



وصیت

كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ
 إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ
 وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ،
 حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ^١

بر شما نوشته (واجب) شده است :

هنگامی که مرگ یکی از شما فرا رسد، اگر چیز خوبی
 [مالی] از خود به جای گذارده، برای پدر و مادر و
 نزدیکان، به طور شایسته وصیت کند،
 این حقی است بر پرهیزکاران.

١- سورة بقره، آیه ١٨٠



وصیت و انواع آن

تجربه، بسیار ارزشمند است. انسان‌های بزرگ، چکیدهٔ تجربهٔ خود را در قالب وصیت به فرزندان یا آشنایان خود منتقل می‌کنند تا آن را سرلوحهٔ زندگی خویش قرار دهند؛ سفارش‌هایی مملو از نکات اجتماعی و ظرایف اخلاقی. وصیت‌های ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام، امام خمینی (ره)، و شهدای جنگ تحمیلی از عالی‌ترین نمونه‌های وصیت است.

هر کس می‌تواند وصیت کند؛ از توصیه‌های اخلاقی گرفته تا وصیت‌های مالی. وصیت می‌تواند کتبی یا شفاهی باشد، البته اعتبار وصیت کتبی بیشتر است. انسان تازمانی که زنده است اختیاردار اموال خویش است و پس از مرگ، اموالش در اختیار بازماندگان او قرار می‌گیرد. او حق دارد نسبت به چگونگی تقسیم یک سوم اموالش اظهار نظر (وصیت) کند.

به ملت عزیز ایران توصیه می‌کنم که نعمتی که با جهاد عظیم خودتان و خون جوانان برومندانان به دست آوردید همچون عزیزترین امور قدرش را بدانید و از آن حفاظت و پاسداری نمایید و در راه آن، که نعمت عظیم الهی و امانت بزرگ خداوندی است کوشش کنید و از مشکلاتی که در این صراط مستقیم پیش می‌آید نهراسید



پیشنهاد

قسمتی کوتاه از وصیت یکی از بزرگان یا شهدا را انتخاب و در قالب چند سطر برای نصب در کلاس یا تابلوی مدرسه ارائه نمایید.

موارد وصیت مالی

بهترین روش تقسیم دارایی انسان پس از مرگ را خداوند در قرآن تعیین کرده است^۱. و به انسان نیز این حق را داده تا بتواند دربارهٔ اموال خویش و نحوهٔ تقسیم آن پس از مرگ، وصیت کند. این وصیت‌ها معمولاً شامل کمک مالی به امور خیر (مانند ساخت مسجد، حسینیه، مدرسه، و کمک به نیازمندان)، گرفتن نایب برای قضا کردن نمازها و روزه‌های فوت شده، انجام سایر اعمال عبادی نظیر عمره، بهره‌مند کردن برخی اقوام یا آشنایانی که از او ارث نمی‌برند، و نظایر آن است.

وصیت مالی حداکثر تا یک سوم اموال، جایز است. و اگر کسی بیش از ثلث دارایی‌اش وصیت کند، فقط تا یک سوم آن لازم‌الاجراست و بیش از آن، منوط به اجازهٔ وارثان و گذشتن از حق شرعی آنها (وارثان) می‌باشد.

به جز وصیت ثلث که گاهی «ثلث خیریه» نیز نامیده می‌شود، در صورتی که بدهی، امانت یا حق الناسی بر گردن وی باشد، واجب است آن را به اطلاع وارثان یا وصی خود برساند و در مورد ادای آن، وصیت کند؛ البته وصیت در مورد پرداخت بدهی، محدود به ثلث اموال نمی‌شود؛ بلکه مقدم بر تقسیم ارث است.

نحوهٔ وصیت

وصیت کردن منحصر به زمان مرگ یا بیماری نیست؛ بلکه مستحب است که انسان همواره خودش را برای مرگ و حوادث غیر مترقبه آماده و با عاقبت‌اندیشی برای آینده برنامه‌ریزی کند. هر فرد مسلمان موظف است با مشاهدهٔ علائم مرگ، امانات مردم را به صاحبانش بازگرداند و بدهی خود را پرداخت یا به دادن آن وصیت کند؛ اگر دینی (مال یا غیر آن) برعهده‌اش است ادا نماید یا حلالیت بطلبد؛ همچنین اگر فرزند صغیری دارد یا سرپرستی تیمی را برعهده دارد، لازم است برای آنان قیم تعیین نماید.

فردی که از سوی وصیت‌کننده (موصی)، عهده‌دار اجرای وصیت می‌شود «وصی» نام دارد. وصیت می‌تواند کتبی یا شفاهی باشد و بهتر این است که در حضور دو شاهد عادل یا به صورت محضری انجام پذیرد تا موجب اختلاف نگردد.

۱- در درس بعد با برخی از این قوانین آشنا خواهید شد.

در اسلام برای هر یک از طرفین وصیت، حقوق و تکالیفی وجود دارد که باید آن را رعایت نمود :

حقوق وصیت کننده

- وارثان، و نیز وصی، موظف به رعایت موارد ذیل اند :
- ۱- توجه به «امانت» بودن وصیت نامه و محتوای آن، و وظیفه خطر امانت داری و مواظبت از تحریف نشدن آن.
 - ۲- احترام به حق تصرف وصیت کننده درباره اموال خود پس از مرگ خویش و توجه به تکلیف آور بودن این حق برای وصی و نزدیکان در عمل به مفاد آن (مشروط به اینکه خلاف شرع نباشد).
 - ۳- کوتاهی نکردن و به تعویق نینداختن اجرای وصیت و عمل نمودن دقیق به آن، به عنوان تشکر از زحمات آن متوفی.

حقوق وصیت شوندگان

- وصیت کننده نیز بهتر است موارد زیر را درباره خویشاوندان خود رعایت کند :
- ۱- عدم تبعیض ناروا در وصیت بین فرزندان یا دیگر نزدیکان
 - ۲- عدم بخشش تمام اموال خود به دیگران یا امور خیر، به هنگام فوت یا نزدیک شدن آن، و احترام به حق بهره مندی خویشان از ارثیه.
 - ۳- در نظر گرفتن منابع مالی جهت مواردی که به آن وصیت می کند، تا ورثه برای انجام آن به زحمت نیفتند.
 - ۴- عدم وصیت به امور فتنه انگیز و اختلاف افکن
 - ۵- عدم تعیین تکلیف برای افرادی که سرپرستی آنها را بر عهده نداشته است.
 - ۶- عدم محدود نمودن افراد تحت سرپرستی خود در اموری که هر فرد حق انتخاب و آزادی عمل در آن را دارد.

وصیت‌های باطل

- ۱- وصیت بیش از ثلث مال (مگر ورثه به آن راضی شوند و اجازه دهند).
- ۲- وصیت به انجام کار حرام یا کاری که موجب ظلم و تضییع حق شود.
- ۳- وصیت به اموری که در حدود اختیارات متوفی نبوده و دخالت در اموال یا امور دیگران محسوب می‌شود.

بیندیشیم و پاسخ دهیم

- ۱ وصیت به محروم نمودن برخی از فرزندان از ارث چه حکمی دارد؟
- ۲ مثال‌هایی شایع از وصیت‌های بدون اعتبار (باطل) را بیان کنید.



درس نهم



ارث

لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ

وَ الْاَقْرَبُونَ وَ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ

مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَ الْاَقْرَبُونَ

مِّمَّا قَلَّ مِنْهُ اَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا

مردان از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان (پس از مرگ

خویش) برجای گذاشته اند سهم دارند و

زنان (نیز) از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان به جا

می گذارند سهمی دارند؛ چه کم باشد و چه زیاد؛ سهمی

مشخص و حتمی است.

۱- سورة نساء، آیه ۷



■ درس پیش دربارهٔ وصیّت بود. اینک با گوشه‌ای از احکام ارث آشنا می‌شویم.

اصطلاحات مبحث ارث

مُتَوَفَّى: فرد فوت شده

مُورَث: فرد متوفی که دیگران از او ارث می‌برند.

وارث: فردی که از متوفی ارث می‌برد.

وَرَاث: جمع وارث؛ به آن «وَرَثَه» نیز می‌گویند. کسانی که ارث می‌برند.

ماترک: اموال باقیمانده از متوفی (پس از کسر دیون و سایر مخارج). همچنین «ارثیه»،

«ترکه»، و «ارث» نیز به آن می‌گویند.

قانون ارث در اسلام

مناسب‌ترین روش حفظ دسترنج افراد و رعایت حقوق شخصی آنان پس از مرگ، انتقال اموال به خویشان درجهٔ یک و تقسیم «عادلانه» میان آنان است؛ زیرا «عزیزترین» اشخاص برای هر انسان و «دلسوزترین» افراد در حفظ دسترنج او اعضای خانوادهٔ او می‌باشند و دارایی انسان، دارایی خانواده نیز محسوب می‌شود. اطلاع از قانون اسلام در مورد ارث و انتقال دارایی انسان به بستگان نزدیک علاوه بر آرامش روحی فرد و اطمینان از هدر نرفتن تلاش‌هایش موجب استحکام پیوند خویشاوندی نیز می‌گردد.

فواید تعلق یافتن ارثیه به اقوام نزدیک را بیان نمایید.

فعالیت کلاسی



کیفیت تقسیم ارث

اموال متوفی، مطابق قانون الهی، و نه خواست و سلیقه او، بین خویشاوندان وی تقسیم می‌گردد. طبق قانون اسلام، متوفی نمی‌تواند تمام ارث را به شخص خاصی اختصاص دهد و یا برخی از بستگان را از ارث محروم کند. متوفی قبل از مرگ خویش می‌تواند حداکثر تا یک سوم از ماترک خویش را آن‌طور که صلاح می‌داند وصیت نماید، اما نسبت به دوسوم باقیمانده هیچ حقی ندارد و مطابق قانون الهی تقسیم می‌گردد.

تقسیم ارث، پس از کسر هزینه‌های کفن و دفن و پرداخت دیون مالی میت انجام می‌شود. این بدهی‌ها عبارت‌اند از: دیون شرعی، مانند: خمس، زکات، کفارات روزه، هزینه حج نیابتی در صورتی که حج بر وی واجب بوده است، و بدهی مالی به افراد و سازمان‌ها.

پس از پاک شدن مال از دیون شرعی و بدهی به مردم، نوبت به انجام وصیت متوفی می‌رسد؛ اگر متوفی وصیت مالی کرده باشد، به آن وصیت حداکثر تا ثلث ترکه عمل می‌شود. و اگر بیش از ثلث باشد، در صورت رضایت ورثه، به مازاد نیز عمل می‌شود. سپس باقیمانده اموال، مطابق قانون الهی بین ورثات تقسیم می‌گردد.

وارثین عادی

افرادی که به طور معمول از انسان ارث می‌برند عبارت‌اند از: پدر، مادر، فرزند و همسر که سهم هر یک به شرح زیر است:

۱- همسر (زوج): یک چهارم ارثیه از ماترک؛ و در صورتی که زن فرزندی نداشته باشد، یک دوم آن به شوهر می‌رسد.

۲- همسر (زوجه): یک هشتم ارثیه ماترک؛ و در صورت نداشتن فرزند، یک چهارم آن به زن می‌رسد.

۳- پدر و مادر: هر کدام یک ششم ماترک را به ارث می‌برند.

۴- فرزندان: پس از آنکه سهم پدر، مادر و همسر، از ارث مشخص شد، مابقی بدین صورت بین فرزندان تقسیم می‌گردد: پسر «دو سهم»، دختر «یک سهم».

مثال تقسیم ارث

مسئله: مردی از دنیا رفته و ماترک او پس از پرداخت دیون و ثلث اموالش که وصیت کرده است، دوازده میلیون تومان می‌شود. ورثه او عبارت‌اند از: پدر، مادر، همسر، دو پسر و یک دختر. سهم الارث هر یک را به دست آورید.

پاسخ:

$$12,000,000 \times \frac{1}{6} = 2,000,000 \quad \text{سهم پدر:}$$

$$12,000,000 \times \frac{1}{6} = 2,000,000 \quad \text{سهم مادر:}$$

$$12,000,000 \times \frac{1}{8} = 1,500,000 \quad \text{سهم همسر(زوجه):}$$

کل سهم فرزندان (مابقی):

$$12,000,000 - (2,000,000 + 2,000,000 + 1,500,000) = 6,500,000$$

با توجه به اینکه نسبت سهم فرزندانِ پسر، «دو» و نسبت سهم فرزندانِ دختر «یک» است، مجموع سهم فرزندان پنج سهم می‌شود:

$$2 \times 2 (\text{پسر}) + 1 (\text{دختر}) = 5 \quad \text{مجموع سهم‌ها:}$$

$$6,500,000 \div 5 = 1,300,000 \quad \text{مبلغ یک سهم (سهم فرزند دختر):}$$

$$2 \times 1,300,000 = 2,600,000 \quad \text{سهم هر فرزند پسر:}$$

مادری از دنیا رحلت نموده و ماترک وی، پس از جدا نمودن سایر مخارج و ثلث خیریه، شش میلیون تومان است. وارث‌های او عبارت‌اند از: همسر، یک فرزند پسر و سه فرزند دختر. سهم ارث هر کدام را به دست آورید.

تمرین



طبقات ارث

وارثان به طور کلی به سه گروه تقسیم می‌شوند که هر گروه، «طبقه» نام دارد. تا زمانی که از هر طبقه حتی یک نفر وجود داشته باشد، نوبت به طبقه بعد نمی‌رسد. طبقه نخست عبارت است از: پدر، مادر و فرزندان متوفی. در صورت فوت تمام فرزندان، نوادگان به جای آنها ارث می‌برند. طبقه دوم تشکیل شده است از: پدر بزرگ، مادر بزرگ، خواهر و برادر. و در صورتی که هیچ‌کدام از خواهران یا برادران میت زنده نباشند، فرزندانشان جایگزین می‌شوند. طبقه سوم متشکل از: عمو، عمه، دایی و خاله، و در صورت فوت همه، فرزندان آنها جایگزینشان می‌شوند.

تذکر: همسر جزء طبقه خاصی نیست و همراه همه طبقات ارث می‌برد.

چند مثال:

۱ اگر برخی فرزندان متوفی قبل از فوت وی از دنیا رفته باشند و هنگام فوت فقط یک فرزند پسر زنده باشد، همه ماترک به او تعلق می‌گیرد و به وراثت فرزندان فوت شده یا نوه‌ها سهمی تعلق نمی‌گیرد.

۲ اگر میت (زن) صاحب فرزند نباشد و جز شوهر وی، فقط مادرش از طبقه اول زنده باشد، به شوهر $\frac{1}{4}$ از ماترک و به مادر $\frac{1}{4}$ از ماترک را می‌دهند. $\frac{1}{4}$ باقیمانده نیز به مادر تعلق می‌گیرد.

۳ اگر از میت فقط دو نوه و چند خواهر و برادر باقی باشند، ارثیه بین نوادگان تقسیم می‌شود و به خواهران و برادران سهمی نمی‌رسد.

چند نکته:

- کافر از مسلمان ارث نمی‌برد، حتی اگر جزو افراد طبقه نخست باشد.
- اگر قاتل میت، جزو ورثه مقتول باشد، از او ارث نمی‌برد؛ مگر آنکه قتل از روی عمد نباشد.
- در صورتی که متوفی درباره فردی که به طور قانونی از وی ارث می‌برد، وصیتی از ثلث مالش کرده باشد، این فرد دوبار ارث می‌برد: ابتدا طبق وصیت و سپس طبق قانون ارث.

توجه: مسائل تقسیم ارث، مبحثی مفصل و دقیق است و تبصره‌های متعددی دارد. در این درس جهت آشنایی شما عزیزان، تنها مواردی از آن ذکر شد و شما می‌توانید در صورت نیاز یا تمایل، از کتاب‌های مفصل‌تر فقهی در این زمینه یا اساتید فن کمک بگیرید.

تفاوت سهم مردان و زنان

در دین اسلام، مردان مسئول تأمین هزینه‌های افراد تحت تکفل خود هستند. زنان نیز می‌توانند در اجتماع، به کار و کسب بپردازند، ولی وظیفه‌ای نسبت به تأمین هزینه‌های زندگی ندارند و درآمدشان در اختیار خودشان است. بنابراین، در قوانین اسلامی، سهم ارث آنان نصف مردان تعیین شده است؛ البته این به معنای نصف شدن بهره زن نیست؛ زیرا گرچه مردان دو سوم دارایی را به ارث می‌برند و زنان فقط یک سوم، ولی سهم مردان نیز در زندگی مشترک در اختیار آنان قرار می‌گیرد؛ لذا این تقسیم ارث، عادلانه‌ترین روش تقسیم ارث است. ممکن است گفته شود برخی از زنان یا مردان ممکن است ازدواج نکنند یا گاهی هزینه زندگی بر عهده زن می‌افتد (مانند زنان بی‌سرپرست و یا بی‌شوهر)؛ پاسخ این است که قوانین الهی همانند تمام قانون‌ها هماهنگ با نیاز غالب افراد جامعه تنظیم می‌شود نه بر اساس استثناءها، و در اسلام اصل بر این است که افراد ازدواج کنند و مرد نیز مسئول پرداخت خرجی همسر و فرزندان می‌باشد.

نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که سهم زنان همیشه نصف مردان نیست؛ بلکه در برخی موارد مساوی و حتی بیشتر از مرد است؛ سهم مادر با پدر یکسان است، سهم دختر (تک فرزند) بیشتر از پدر می‌باشد و ...

بیندیشیم و پاسخ دهیم

- ۱ چرا در اسلام سهم ارث دختران کمتر از پسران تعیین شده است؟ حکمت این امر چیست؟
- ۲ سه طبقه ارث بری را نام ببرید.

بهترین ارث

امام علی علیه السلام: خَيْرُ مَا وَرَثَ الْآبَاءُ الْآبَاءُ الْأَبْنَاءُ الْأَدَبُ.
عُرُزُ الْحِكْمِ، ص ۳۵۹
بهترین چیزی که پدران برای فرزندان به ارث می‌گذارند،
است.



تحقیق کنید

برخی از مواردی را که سهم ارث زنان همانند سهم مردان است
بنویسید.





درس نازهم

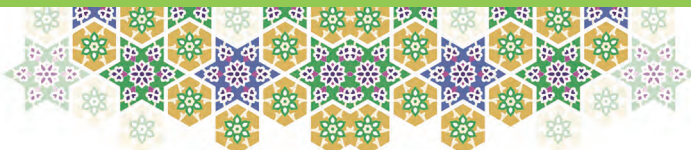


احکام کسب و کار

عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ :
 سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ عَلَى الْمُنْبَرِ :
 يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ، الْفِقْهَ ثُمَّ الْمَتَجَرَ، الْفِقْهَ
 ثُمَّ الْمَتَجَرَ، الْفِقْهَ ثُمَّ الْمَتَجَرَ،
 وَاللَّهِ لِلرِّبَا فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ أَخْفَى مِنْ ذَبِيبِ النَّمْلِ
 عَلَى الصَّفَا.

اصبغ بن نباته (از یاران امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ)
 نقل می کند که امیرالمؤمنین بر فراز منبر می فرمود :
 ای بازرگانان، ابتدا فقه را بیاموزید،
 سپس به کسب و کار و تجارت پردازید. ابتدا فقه را بیاموزید،
 سپس به کسب و کار و تجارت پردازید. ابتدا فقه را بیاموزید، سپس
 به کسب و کار و تجارت پردازید و قسم به خدا، (نفوذ) ربا در
 میان این امت، پنهان تر از حرکت مورچه بر سنگ سیاه است.

۱- الکافی، ج ۵، ص ۱۵۰



■ در ادامه مباحث اقتصادی، در این درس با احکام داد و ستد آشنا می‌شویم.

دیدگاه اسلام نسبت به کسب و کار

تلاش برای کسب روزی حلال، در دین اسلام، عبادت محسوب می‌شود و افرادی که برای رفع نیاز خانواده از آسایش خود می‌گذرند، «مجاهد در راه خدا» به‌شمار می‌روند.

پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: **الكَادُ عَلَى عِيَالِهِ مِنَ خَلَالِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ**^۱. مالک حقیقی تمام عالم، خداوند است. انسان‌ها مالک «اعتباری» اموال خود هستند و وظیفه دارند که به‌طور صحیح از آنها استفاده کنند نه اسراف کنند و نه بخل بورزند، و نه از مقصد اصلی خویش و یاد خدا غافل شوند:

رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ^۲.



۱- مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيرُ، ج ۳، ص ۱۶۸.

۲- سوره نور، آیه ۳۷.

انواع داد و ستد در اسلام

هر نوع داد و ستدی بر دو گونه است: صحیح یا باطل.

قرارداد صحیح، قراردادی است که طبق شروط لازم در اسلام منعقد شده باشد، و در نتیجه، مالکیت کالا از فروشنده به خریدار و مالکیت پول (= ثمن) از خریدار به فروشنده منتقل گردد. باطل بودن قرارداد به معنای «عدم انتقال مالکیت کالا و ثمن، بین فروشنده و خریدار» است؛ در این صورت، خریدار باید کالا را به فروشنده بازگرداند، و فروشنده مُلزم به پرداخت مبلغ دریافتی است.

توجه داشته باشید که باطل بودن قرارداد، همیشه به معنای حرام بودن آن نیست؛ البته اگر پس از آگاهی از بطلان قرارداد، یکی از دو طرف از بازگرداندن مال خودداری کند، «غصب» محسوب شده و مرتکب حرام شده است.

داد و ستد از نظر نوع کالا و شرایط، انواع مختلفی دارد که در این کتاب با چند نوع رایج آن، مانند بیع، اجاره و مضاربه آشنا خواهید شد.

خرید و فروش (بیع)

«بیع» قراردادی دوجانبه میان خریدار (مشتري) و فروشنده (بایع) است که بر طبق آن، تبادل کالا و مبلغ آن، همراه با رضایت و موافقت دو طرف صورت می‌گیرد. این پیمان در معاملات با ارزش، مانند خرید مسکن و خودرو به صورت کتبی، و در معاملات کم‌ارزش مانند خرید مایحتاج منزل به صورت شفاهی یا مُعاطات انجام می‌پذیرد.

امروزه بیشتر داد و ستدهای مردم به صورت «معامله» صورت می‌گیرد، یعنی دو طرف معامله بدون آنکه چیزی بنویسند یا بگویند، کالا و پول را مبادله می‌کنند.

خرید و فروش کالا (= مبیع)، بر حسب زمان تحویل کالا و زمان پرداخت مبلغ، سه گونه

است:

نقد: تحویل کالا و پول، به صورت هم‌زمان

نسیه: تحویل کالا در زمان انعقاد قرارداد، و پرداخت مبلغ در زمان آینده

سَلَف (پیش‌خرید): پرداخت مبلغ کالا در زمان انعقاد قرارداد و تحویل کالا در زمان آینده

اینک به بررسی شرایط صحت داد و ستد می‌پردازیم :

الف) شرایط خریدار و فروشنده : هر یک از دو طرف باید شرایط زیر را هنگام خرید و فروش داشته باشند، وگرنه بیع باطل است :

- ۱- عقل : پس داد و ستد با سفیه یا دیوانه صحیح نیست.
 - ۲- بلوغ : داد و ستد با بچه باطل است، مگر در کالاهای کم‌ارزش و با کودکان ممیز.
 - ۳- مالکیت : بنابراین فروختن اموال دیگران بدون اجازه آنان، موجب انتقال مالکیت نمی‌شود.
 - ۴- قصد جدی : پس اگر یکی از دو طرف قصد شوخی داشته باشد قرارداد منعقد نمی‌شود.
 - ۵- اختیار : بنابراین، اگر کسی را مجبور به خرید یا فروش کنند، معامله صحیح نیست.
- ب) شرایط فسخ خرید و فروش : پس از تبادل کالا و پول، هیچ‌کدام از دو طرف بدون رضایت و توافق دیگری، حق برهم‌زدن معامله را ندارد، مگر در مواردی که ذکر خواهد شد؛ البته در صورت پشیمان شدن یکی از دو طرف و درخواست از طرف مقابل، قبول این درخواست و پس‌گرفتن قرارداد (إقالة)، از مستحبات مورد سفارش است.

امام صادق علیه السلام :

هر مسلمانی کالای فروخته شده را از خریدار پشیمان پس بگیرد، خداوند سبحان

در روز قیامت اشتباهات او را نادیده می‌گیرد.^۱

در موارد زیر می‌توان قرارداد را یک جانبه فسخ نمود :

- ۱- قبل از خروج دو طرف از محل معامله
- ۲- ضرر و زیان قابل توجه یکی از دو طرف بر اثر بی‌اطلاعی یا فریب خوردن
- ۳- معیوب بودن کالا؛ در این صورت، مشتری پس از اطلاع، یکی از سه کار را می‌تواند انجام دهد : فسخ و پس‌دادن کالا، رضایت دادن به همان کالای معیوب بدون دریافت مابه‌التفاوت، دریافت مابه‌التفاوت (اُرش).
- ۴- شرط فسخ در ضمن قرارداد از سوی یکی از دو طرف
- ۵- تأخیر بیش از سه روز در تحویل کالا
- ۶- مغایرت داشتن وضعیت کالای تحویلی با مشخصات وصف شده

۱- کافی، ج ۵، ص ۱۵۳

آزمون (۱)

با توجه به شرایط مشتری و بایع :

خرید و فروش با سفیه است، همین طور با نوجوان نابالغ داد و ستد نمود، مگر در مورد کالاهای اگر یک نفر کالایی را بدون رضایت صاحبش به فروش رساند، چنین داد و ستدی صحیح، اما اگر پس از تبادل کالا و پول آن، صاحبش راضی شود آن داد و ستد است و بیع نام دارد. خرید کالا با پول غصبی است. اگر فرد به شوخی کالای خود را بفروشد و مشتری نیز بداند، پس از تبادل کالا و مبلغ، مشتری حق آن را پس ندهد. اگر پس از فروش زمین معلوم شد وقفی بوده، فروشنده پول گرفته شده را به خریدار شخصی که بدون اختیار و از روی و تهدید، مجبور به کالای خود به شخص ثالث شده، می تواند با مراجعه به خریدار و مبلغ دریافتی، کالای خود را بگیرد؛ در این صورت خریدار به سبب انعقاد قرارداد رسمی، حق از پس دادن کالا امتناع نماید.

آزمون (۲)

۱- در صورتی که خریدار حق فسخ داشته باشد، فروشنده ملزم به قبول آن و پس دادن مبلغ دریافتی، و در صورت استنکاف از آن، مرتکب شده و پول دریافت شده، حکم مال را دارد.

۲- در صورتی که پس از اتمام قرارداد و تبادل کالا، مشتری شرط فسخ کند، عمل به آن لازم و فروشنده حق مبلغ را پس

بیندیشیم و پاسخ دهیم

- ۱ ضرر انجام بیع باطل، متوجه کدام یک از دو طرف می‌شود؟
- ۲ شرایط خریدار و فروشنده در بیع را فقط نام ببرید.
- ۳ حکمت بطلان خرید و فروش با نابالغ چیست؟
- ۴ در صورتی که فروشنده از پذیرش حکم فسخ امتناع نماید وظیفه خریدار چیست؟



درس دوازدهم



معاملات حرام

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :
الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءًا
أَفْضَلُهَا طَلَبُ الْحَلَالِ !

رسول خدا فرمودند :
عبادت هفتاد جزء دارد
که برترین آن، کسب حلال است.

۱- کافی، ج ۵، ص ۷۸



■ در درس قبل با شرایط صحت و احکام خرید و فروش آشنا شدیم. در این درس با کسب و کارهای حرام آشنا می‌شویم.

اهمیت کسب حلال

کار و تلاش برای تأمین نیازهای زندگی مورد سفارش اسلام است، اما باید از راه صحیح و به شکل حلال باشد؛ زیرا خوردن مال حرام انسان را از مسیر دین خارج می‌سازد و او را بندهٔ پول و دنیا می‌گرداند. حتی اگر نماز بخواند و روزه بگیرد یا حج برود، عباداتش نیز قبول نمی‌شود؛ زیرا لباس و مکان نمازگزار و هزینهٔ سفر حج باید از مال حلال باشد؛ لذا رسول خدا در روایت بالا فرمودند: کسب حلال مهم‌ترین عبادت است.

انواع معاملات حرام

۱ **تقلب در کالا یا پول، و غش در معامله:** از دیگر موارد معاملات حرام، فریب مشتری یا خریدار است؛ غش در داد و ستد به معنای آمیخته کردن جنس نامرغوب با مرغوب، بدون اطلاع مشتری است؛ مانند اضافه کردن آب در شیر، آمیختن برنج بد با خوب، مخلوط کردن روغن نباتی با روغن حیوانی.

۲ **ربا:** معاملات ربوی، در قرآن و روایات، از شدیدترین گناهان کبیره است. ربا به معنای زیادی، و در اصطلاح عبارت است از دریافت بیش از حق خود در داد و ستد یا قرض. همان‌طور که گرفتن ربا از دیگران حرام است، قبول قرارداد ربوی و دادن ربا نیز با هر توجیه یا بهانه‌ای، حرام است.

۳ **تولید، توزیع، خرید و فروش مطالب گمراه‌کننده و باطل و یا غیرمجاز:** شامل کتب، نشریات، نرم‌افزار، فیلم‌های مبتذل، آلبوم‌های موسیقی و دیگر محصولات فرهنگی که موجب شک در اعتقادات دینی گردد و نیز مطالب منحرف‌کنندهٔ فکری یا اخلاقی که منجر به بی‌توجهی یا سهل‌انگاری نسبت به دین و احکام آن شود. همچنین انتشار غیرقانونی محصولات مجاز، جایز نیست.

فعالیت کلاسی



- ۱- مطالعه کتاب‌های انحرافی از روی کنجکاوی چه خطراتی در بردارد؟ راه معقول برای آگاهی از افکار مختلف و نقد آنها چیست؟
- ۲- معیار تشخیص مجاز یا غیرمجاز بودن یک کالای فرهنگی چه مرجعی است؟

۴ شعبده‌بازی، سحر و مانند آن : کافران، پیامبران را ساحر معرفی می‌کردند و معجزه را نوعی تردستی یا جادوگری می‌پنداشتند. اسلام جهت جلوگیری از سوء استفاده افراد فرصت طلب در فریب مردم، یا القای شک و تردید در باورهای آنان، شعبده‌بازی و جادوگری را ممنوع کرده و درآمد حاصله از انجام یا آموزش آن را حرام کرده است. غیر از شعبده‌بازی که امروزه بیشتر برای سرگرم کردن مردم استفاده می‌شود، اموری مانند «سحر» که با انجام اعمال شیطانی، در جسم و روح شخص سحر شده اثر می‌گذارد و موجب تغییر در وضعیت روحی و رفتاری وی می‌گردد از نظر اسلام حرام است.

فعالیت کلاسی



- تفاوت دعا خواندن را با برخی اعمال توصیه شده از سوی شیادین برای دفع گرفتاری‌ها مقایسه کنید.

۵ ابزار و آلات قمار، ماهواره و دیگر ابزار مشترک غالب در حرام : برخی وسایل، اختصاص به استفاده در کار حرام دارند؛ مانند آلات قمار، و برخی مشترک اند. خرید و فروش ابزار مشترک به افرادی که قصد استفاده حرام از آن را دارند «گناه» محسوب می‌شود؛ مانند فروش انگور به کسی که قصد تولید شراب از آن دارد. خرید و استفاده از وسایلی که

معمولاً استفاده غیر حلال از آنها می‌شود، حتی به قصد استفاده حلال از آن نیز جایز نیست؛ مانند ظروف مخصوص مشروبات الکلی یا ابزارهایی مانند فیلترشکن اینترنت، و دریافت کننده ماهواره که چون می‌تواند موجب انحراف خانواده و فرزندان شود، بنابر فتوای مراجع تقلید حرام است.

فعالیت کلاسی

- ۱- کدام خصوصیت در برنامه‌های ماهواره‌ای، مانع استفاده از آن حتی به قصد مشاهده برنامه‌های سالم آن می‌شود؟
- ۲- راه‌های صحیح بهره‌مندی از اطلاعات روز جهان و مشاهده برنامه‌های سالم رسانه‌ها چیست؟



۶ خرید و فروش مواد حرام و نجس: شامل گوشت خوک، گوشت مردار، گوشت‌های ذبح‌شده به طریقه غیراسلامی و مشروبات الکلی. خرید و فروش خون جهت استفاده در مصارف پزشکی و نجات جان بیماران، جایز است. همین‌طور خرید و فروش (و نگهداری) سنگ نگهبان یا شکاری جایز است.

برای مطالعه

در روایتی از امام صادق علیه السلام درباره آیه «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ»^۱ پرسیدند: «چگونه است که گاهی می‌بینیم کسی که ربا می‌خورد مالش افزایش می‌یابد؟!» و امام علیه السلام پاسخ فرمودند: «و کدام نابودی بالاتر از نابودکنندگی یک درهم ربا؟! دین او را نابود می‌سازد و اگر عملش را ترک نکند و توبه ننماید، دارایی‌اش از بین می‌رود و فقیر می‌شود».^۲

۱- خداوند خیر و برکت ربا را می‌ستاند و آن را به سوی نابودی سوق می‌دهد، ولی صدقات را افزایش می‌دهد. (سوره بقره، آیه ۲۷۶)

۲- وسائل الشیعه ج ۱۸، ص ۱۱۹

نابودی و ویرانگری از آثار جدایی‌ناپذیر «ربا» است همچنان‌که برکت و نمو، از اثرات لاینفک «صدقه» و «خمس» است. پس «ربا» هر چند نامش ربا (زیادی) است، ولی «از بین رفتنی» است، و صدقه هر چند که نامش را زیادی نگذاشته باشند، زیاد شدنی است. لذا در آیه فوق، وصف ربا (یعنی زیاد شدن) را از ربا می‌گیرد و به صدقه (به معنای زکات) می‌دهد، و ربا را به گونه‌ای که ضد اسم او است توصیف می‌کند.

آثار زیانبار ربا در جامعه

خداوند در قرآن با لحن شدیدی اعلام می‌دارد: «و اگر دست از رباخواری برنمی‌دارید، بدانید به جنگ با خدا و فرستاده‌ او برخاسته‌اید». خداوند در آیات مربوط به ربا (آیات ۲۷۵ تا ۲۷۹ بقره) چنان شدتی به کار برده است که درباره‌ هیچ گناهی، جز پذیرفتن سلطه دشمنان دین، به کار نبرده است؛ چرا که آثار زیانبار ربا، اساس دین و زندگی انسانی را از بین می‌برد؛ رباخوار با گرفتن پول بلاعوض از دیگران، خون فقیران را در شیشه می‌کند و با افزایش روزانه ثروت خود، به اختلاف طبقاتی و دشمنی دامن می‌زند، و با از بین بردن روحیه شفقت و مهربانی باعث تشدید اختلاف و ناامنی در جامعه و ترویج مادی‌گرایی می‌شود.

فرد رباخوار به جای کار و تلاش برای تولید، تهیه و توزیع کالا در میان جامعه، و شرکت در سود و زیان ناشی از تجارت، با سرمایه‌ای که در دست وی به امانت است و وظیفه دارد آن را به نفع خود و جامعه خویش صرف نماید، مبادرت به سوء استفاده کرده و به هنگام احتیاج دیگران به آن سرمایه، زیادت‌ر از آنچه را می‌دهد طلب می‌کند. انسان رباخوار به ثروت‌اندوزی می‌پردازد و افراد ضعیف روز به روز فقیرتر گشته و این امر موجب سلطه‌وی بر مردم می‌شود. از یاد نبرده‌ایم کشورهای فقیری را که در استقراض از دولت‌های استعماری غرق شده‌اند و توان بازپرداخت بدهی خود و بیرون آمدن از سلطه بیگانگان را پیدا نمی‌کنند.

۱- سورة بقره، آیه ۲۷۹

انواع ربا

ربا بر دو گونه است: ربا در داد و ستد، و ربای قرضی.

- ۱ ربا در داد و ستد: عبارت است از مبادله دو کالا از یک جنس، همراه با دریافت مقدار اضافی؛ مانند معاوضه یک کیلو برنج اعلا با دو کیلو برنج عادی، یا تعویض بیست گرم طلای دست دوم با ده گرم طلای نو. حرمت ربا در جایی است که کالا در برابر کالا قرار گیرد، اما اگر هر کدام از کالاها در برابر پول معامله شود و جداگانه قیمت گذاری و خرید و فروش شود اشکالی ندارد.
- ۲ ربای در قرض: عبارت است از قرض دادن به دیگری، به شرط دریافت مبلغی زیادتراً؛ خواه به طور صریح شرط کنند، یا پرداخت قرض مبتنی بر آن باشد. این نوع ربا شدیداً حرام است.

فعالیت کلاسی

برخی روش‌ها برای رهایی از ربا رواج یافته که به «کلاه شرعی» معروف‌اند، زیرا رهایی واقعی از ربا نیست و حرمت آن مبلغ اضافی را تصحیح نمی‌کنند. با استفاده از اطلاعات عمومی خود و یا مراجعه به کتاب‌های فقهی، چند نمونه از این راه‌ها را ذکر کنید. سپس راه‌حلی غیر از قرض دادن را بیابید که خالی از ربا باشد.

بیندیشیم و پاسخ دهیم

- ۱ تفاوت معاملات حرام را با باطل بیان کنید.
- ۲ فلسفه تحریم ربا در اسلام چیست؟

تحقیق کنید

- ۱- طرز صحیح تعویض طلای کارکرده با طلای نو را بیان کنید.
- ۲- آیا سود بانکی و ربا با یکدیگر تفاوت دارند؟ توضیح دهید.



درس سیزدهم



اصطلاحات اقتصادی اسلام (۱)

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ
قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ
وَ الرَّسُولِ

از تو در مورد انفال می پرسند،
بگو انفال برای خداوند
و پیامبر است.

۱- سورة انفال، آیه ۱

■ در این درس با برخی اصطلاحات اقتصادی که در فقه اسلامی کاربرد دارد و دانستن آنها لازم است، به طور مختصر آشنا می‌شویم.

۱- انفال

انفال از لحاظ لغوی جمع نفل و به معنای بخشش است و در اصطلاح فقهی عبارت است از منابع طبیعی که در اختیار کشور و جامعه اسلامی قرار دارد؛ مانند جنگل‌ها و معادن و دریاها. این موهبت‌های خدادادی، اموال عمومی و مالکیت آن در اختیار حکومت اسلامی است تا در ضرورت‌های اجتماعی و مصالح جامعه به کار گرفته شود. نحوه استفاده از آن را پیامبر و جانشینان وی تعیین می‌کنند.

با مراجعه به تفاسیر قرآن، درباره آیه نخست سوره انفال تحقیق نموده و آن را به کلاس ارائه نمایید.

فعالیت کلاسی



۲- وقف

وقف یعنی در راه خدا، مال خود را از ملکیت شخصی خارج و استفاده از آن را عمومی کنیم. وقف از کارهای پسندیده و سفارش شده است و به منظور کسب ثواب اخروی و به جا گذاشتن صدقه جاریه و استفاده عموم مردم یا گروهی خاص (مانند ایتم) است. خرید و فروش مال موقوفه ممنوع است و شرایط استفاده از آن بستگی به مفاد مندرج در وقف‌نامه دارد.

برای مطالعه

برخی چاه‌های حفر شده در مدینه که تا امروز باقی است، حاصل تلاش امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که آنها را در راه خدا وقف نموده تا پس از حیات خویش از ثواب «صدقه جاریه» بهره‌مند گردد.



فعالیت کلاسی

چند موقوفه از شهر خود را نام ببرید.

۳- هبه

هبه یا هدیه عبارت است از اینکه شخصی مال خود را به طور مجانی و بدون گرفتن عوض، به دیگری ببخشد و تملیک کند. هدیه دادن موجب افزایش محبت و رفع کدورت می‌گردد؛ لذا در دین اسلام به آن سفارش شده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند:

به یکدیگر هدیه دهید و محبت کنید؛ به همدیگر هدیه دهید که موجب رفع کینه و

کدورت می‌شود.

هدیه دادن به ویژه به خویشان و اقوام، بسیار سفارش شده و از موارد صلۀ رحم است. پذیرفتن هدیه و رد نکردن آن نیز جزو تأکیدات اسلام است، اما پذیرش رشوه به نام هدیه جایز نیست.

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۸۷

فعالیت کلاسی

اگر پس از قول و قرار بخشش و قبل از تقدیم آن، یکی از دو طرف فوت کند، تکلیف آن مال چه می‌شود؟



عبرت

امام علی علیه السلام فرموده‌اند، «شگفت‌آورتر اینکه شبانه کسی به دیدار ما آمد و ظرفی در پوشیده پر از حلوا همراه خود آورده بود؛ چنان از آن متنفر شدم که گویی آن را با بزاق ماری سمی مخلوط کرده‌اند! بدو گفتم: این هدیه است یا زکات یا صدقه؟ که زکات (صدقه واجب) بر ما اهل بیت حرام است. گفت: نه زکات است و نه صدقه، بلکه هدیه است! گفتم: زنان بچه‌مرده بر تو بگیرند! آیا از راه دین خدا وارد شده‌ای تا مرا فریب دهی؟ با عقلت آشفته شده و هذیان می‌گویی؟! به خدا سوگند اگر هفت اقلیم و آنچه زیر آسمان‌ها است را به من دهند تا درباره‌ی یک مور نافرمانی خداوند را به جا آورم و پوست جوی را از او بگیرم، چنین نخواهم کرد!»^۲

فعالیت کلاسی

با توجه به عبارت فوق، چگونگی تشخیص هدیه را از رشوه بیان کنید.



۱- وی اشعث بن قیس بود که فردای آن روز قرار بود به پرونده‌ی وی در دادگاه رسیدگی شود.
۲- نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴.

۴- قرض

إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا،
يُضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ.^۱

اگر به خداوند قرضی نیکو دهید، آن را برایتان دو برابر ساخته و شما را می‌آمزد؛

و خداوند بسیار سپاسگزار و بردبار است.

قرض عبارت است از قراردادی که شخص در مقابل دریافت مال از قرض دهنده، پرداخت همان مال یا قیمت آن را به وی برعهده می‌گیرد. گره‌گشایی از کار دیگران و قرض دادن به کسی که نیازمند آن باشند، مورد سفارش اسلام و دارای اجر فراوان است. البته قرض گرفتن از دیگران در صورت عدم ضرورت، مکروه و ناپسند است.

فعالیت کلاسی

با مراجعه به تفاسیر قرآن، خصوصیات آن را که موجب حسنه بودن قرض می‌گردد، بیان نمایید.

قرض دادن به دو صورت است: «مدت دار» و «بدون مدت». در قرض «مدت دار» زمان پرداخت بدهی تعیین می‌گردد برخلاف «بدون مدت» که در آن زمان پرداخت قید نشده است. قرض گیرنده موظف است با فرا رسیدن زمان پرداخت بدون هیچ عذری بدهی خود را بپردازد. البته اگر هنگام سررسید بدهی، بدهکار تنگدست باشد، طلبکار باید به وی مهلت دهد تا بدهکار توان بازپرداخت بدهی را پیدا کند.

مستحب است بدهکار مبلغی مازاد بر آنچه قرض گرفته برگرداند و گرفتن این پول برای قرض دهنده، در صورتی که از ابتدا شرط نکرده باشند، جایز است. اما اگر قرض دهنده شرط کند که بیش از آن مقدار که پرداخت کرده دریافت کند، حتی اگر مقدار آن را مشخص نکند، ربا و از گناهان کبیره است.

۱- سوره تغابن، آیه ۱۷

از رسول خدا ﷺ نقل شده است که فرمود :

«کسی که به برادر مسلمان خود قرض دهد برای هر دره‌می، حسنه‌ای همسنگ کوه اُخُد دارد. و اگر در مطالبه قرض، با وی مدارا کند او را بدون حساب از پل صراط عبور می‌دهند.

و اگر کسی برادر مسلمانش نزد او از تهی‌دستی شکایت کند و او به وی قرض ندهد، خدای تعالی در روزی که پاداش نیکوکاران را می‌دهد او را از بهشت محروم می‌سازد»^۱.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که :

«بر سر در بهشت نوشته است : صدقه دادن ده ثواب و قرض دادن هجده ثواب دارد.»^۲

قرض دادن علاوه بر رفع مشکلات اقتصادی افراد هم‌نوع موجب برطرف شدن غم و اندوه آنها و حفظ آبروی نیازمندان می‌شود و به این طریق موجب تقویت اتحاد بین افراد جامعه و احساس رضایت از زندگی می‌گردد.

۵- رهن

رهن قراردادی است که مطابق آن، طلبکار از بدهکار چیزی را گرو می‌گیرد و تا زمان دریافت طلبش آن را به امانت نزد خود نگهداری می‌کند؛ مانند اینکه بانک در قبال پرداخت وام، سند منزل را گرو بگیرد و نزد خود نگاه دارد. این کار موجب اطمینان از پرداخت بدهی می‌گردد. گروگیرنده حق ندارد بدون اجازه گروگذار در رهن تصرف کند.

۱- تحریر الوسیله حضرت امام خمینی، ج ۳

۲- کنز العمال ج ۶، ص ۲۱۸

امروزه اصطلاح رهن به نوعی اجاره نیز گفته می‌شود که مستأجر به جای پرداخت اجاره ماهیانه، مقداری پول را به‌عنوان رهن نزد صاحبخانه امانت گذاشته و در آخر سال آن را دریافت می‌کند. این نوع اجاره به شرطی صحیح است که مبلغی را نیز، به‌عنوان اجاره ماهیانه تعیین کنند و مبلغ رهن را به‌عنوان قرض الحسنه و در قالب شرط ضمن عقد اجاره به‌موجر تسلیم کنند.

۶- اجاره

عقدی است که مطابق آن، حق بهره‌برداری از منافع کالا یا کار انسان، در مدت مشخص، به شخص دیگر واگذار شده و در قبال آن، مبلغ معینی دریافت می‌گردد. اجاره بر دو نوع است: ۱- منافع کالا؛ مانند اجاره ملک، ماشین و مانند آن. ۲- کار و تلاش انسان؛ مانند استفاده از خدمات کارمندان و کارگران. در نوع اول، اجاره‌دهنده را «موجر» و اجاره‌کننده را «مستأجر» می‌نامند و در نوع دوم، کارگر یا کارمند را «مستخدم» و قرارداد اجاره را «استخدام» نیز می‌گویند. عقد اجاره نیز شرایط و احکام خاصی دارد.



بیندیشیم و پاسخ دهیم

- ۱ در حال حاضر اختیار انفال در دست کیست؟
- ۲ تغییر در مصرف موقوفه منوط به تحقق چه شرایطی است؟ چند مثال بزنید.
- ۳ علت برتری قرض دادن نسبت به صدقه و کمک مالی چیست؟
- ۴ برتری‌های رهن گرفتن را بر اخذ چک، سفته و ضامن برشمارید.

تحقیق کنید

اگر کسی به شما بگوید: «شما قرض بدهید، بنده هم حتماً به نوعی جبران می‌کنم» آیا ربا محسوب می‌شود؟





درس چهاردهم



اصطلاحات اقتصادی اسلام (۲)

قَالُوا نَفِدُ صَوَاعِ الْمَلِكِ
وَلِمَنْ جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ
وَأَنَا بَعْهَ زَعِيمٌ^۱

گفتند که ما جام پادشاه را
گم کرده ایم و هرکس آن را بیاورد
یک بار شتر (غله) به او داده می شود
و من ضامن (این پاداش) هستم.^۲

۱- سوره یوسف، آیه ۷۲

۲- اشاره به جعله

■ در درس پیشین با برخی اصطلاحات اقتصادی آشنا شدیم. در این درس به برخی دیگر خواهیم پرداخت.

۷- وکالت

وکالت عبارت است از قراردادی که مطابق آن، انجام برخی از کارهای خود را به دیگری واگذار کنیم. مانند اینکه کسی را مأمور فروش منزل خود کنیم تا از طرف ما خانه را به قیمت مناسب بفروشد. او «وکیل» ماست و به ما که اختیار قانونی برای تصمیم‌گیری را به او داده‌ایم «موکل» می‌گویند. این نوع قرارداد می‌تواند کتبی یا شفاهی باشد. اختیارات «وکیل» مطابق توافق بین او و «موکل» است و نباید از آن تخطی کند؛ همچنین موکل نیز هر زمان که بخواهد می‌تواند وکیل را عزل نماید.

با کمک دبیر خود، مواردی از کاربردهای رایج وکالت را در زندگی روزمره نام ببرید.

فعالیت کلاسی



۸- مضاربه

برخی توانایی کار دارند، ولی سرمایه ندارند، برخی نیز سرمایه دارند، ولی امکان یا توان کار ندارند. مضاربه عبارت است از قرارداد همکاری بین دو نفر به گونه‌ای که یکی عهده‌دار سرمایه و دیگری عهده‌دار کار می‌شود و سود و زیان میان آن دو به نسبتی که توافق می‌کنند تقسیم می‌گردد.

توجه: از آنجا که میزان سود در فعالیت‌های اقتصادی نامعلوم است، طرفین باید چگونگی تقسیم سود را به صورت درصدی از سود نهایی تعیین نمایند و اگر مبلغ مشخصی را به عنوان سود تعیین کنند، ربا می‌شود.

تفاوت این دو قرارداد را با یکدیگر بیان کنید و علت ربا بودن قرارداد دوم یعنی حالتی که در مضاربه، سود تعیین می‌شود را توضیح دهید.



۹- صلح

در امور روزانه و داد و ستدها گاهی ابهام یا اختلاف نظر پیش می‌آید و تعیین حق طرفین دشوار یا غیرممکن می‌شود. در این موارد بهترین راه، «مصالحه» و رضایت طرفینی است؛ به این صورت که هر دو طرف در مورد انتقال مالکیت، یا حق استفاده از کالا، به یک توافق برسند و حق احتمالی خود را ببخشند و حلال کنند.

۱۰- ضمان

ضمان عبارت است از به عهده گرفتن بدهی فردی دیگر که اگر او پرداخت نکرد، ضامن پرداخت کند. مثل اینکه شما ضامن کسی شوید و به طلبکار بگویید: «من بدهی فلان شخص را که به شما بدهکار است ضمانت می‌کنم». در نتیجه، آن دین از ذمه بدهکار به ذمه ضامن منتقل می‌شود و او در صورت عدم پرداخت، بعد از پرداخت وجه ضمان، می‌تواند آن مقداری را که به طلبکار پرداخته از او مطالبه کند.

هر انسانی در قبال کارهای خود مسئول است و باید پاسخگو باشد. این مسئولیت در مواردی که مربوط به اموال یا حقوق دیگران (حق الناس) می شود شدیدتر است و بی توجهی به آن نتایج ناگواری در دنیا و آخرت به دنبال دارد.

هر کس بر اثر بی احتیاطی بر اموال دیگران خسارتی وارد کند مُلزم به پرداخت خسارت و در اصطلاح فقهی «ضامن» است؛ مثلاً اگر وسیله‌ای را به دوست خود عاریه دهید (به اصطلاح عرفی امانت دهید تا استفاده کند) و بر اثر اتفاق (و نه سهل انگاری) آسیبی به آن وارد آید حق گرفتن خسارت از دوست خود را ندارید؛ ولی اگر در مغازه کالایی را جهت مشاهده بردارید و از دستانتان به زمین بیفتد باید خسارت آن را پرداخت کنید

۱۱- لُقْطَه

لقطه به شیء پیدا شده‌ای گفته می شود که مالک آن مشخص نیست؛ مانند اشیای جامانده، یا مسروقه‌ای که در اماکن عمومی یا شخصی پیدا می شود. در صورت برداشتن، شخص ضامن نگهداری و رساندن آن به مالک اصلی خواهد بود.

در مواردی که برداشتن آن شیء موجب تلف شدن آن شود، جایز است فرد مسلمان این مسئولیت را برای حفظ حقوق دیگر برادران دینی خود بر عهده گرفته و اقدام به نگهداری آن نماید. در این صورت وی موظف است تا یک سال به جست و جوی مالک آن کالا بپردازد و آن را در اماکن عمومی اعلان نماید. سپس در صورت پیدا نشدن صاحب آن، از طرف صاحبش آن را صدقه دهد یا نزد خود به امانت نگاه دارد یا اینکه برای خود بردارد به شرط اینکه اگر صاحبش پیدا شد به وی بدهد.

فعالیت کلاسی

اگر بولی را پیدا کنید و صاحبش را شناسید چه می‌کنید؟ آیا انداختن آن در صندوق صدقه صحیح است؟



۱۲- جُعَاله

نوعی قرارداد یک طرفه است که فرد متعهد می‌شود به هر شخصی که کار مورد نظر او را انجام دهد، پاداش معینی پرداخت کند. همانند آیه‌ای که در ابتدای درس آمده است.^۱

فعالیت کلاسی

مثال‌هایی در مورد جعاله ذکر کنید.



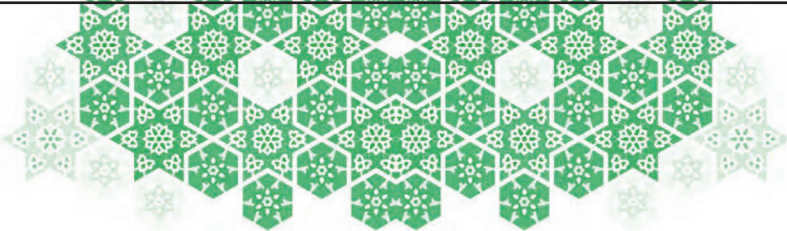
۱- برای توضیحات بیشتر می‌توانید به تفسیر این آیه در کتب تفسیری همچون «المیزان» و «البرهان» مراجعه نمایید.

بیندیشیم و پاسخ دهیم

- ۱ تفاوت «وکالت» با «وصیت» چیست؟
- ۲ کاربرد «مضاربه» در عقود بانکی (حساب‌های پس‌انداز) به چه صورت است؟
- ۳ آیا می‌توان قرض ربوی را به وسیله «صلح» حلال و شرعی کرد؟ نظر مرجع خود را بنویسید.
- ۴ آیا «جُعَاله» همان «مژدگانی» است؟ تفاوت آن‌دو را بیان کنید.

منابع و مؤلفان

- ۱- قرآن کریم، ترجمه های محمد مهدی فولادوند و آیت الله ناصر مکارم شیرازی
- ۲- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی
- ۳- تحریر الوسیله، امام خمینی (ره)
- ۴- رساله نوین، عبدالکریم بی آزار شیرازی
- ۵- رساله توضیح المسائل مراجع
- ۶- تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی (ره)
- ۷- تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی و جمعی از محققان
- ۸- مسئله حجاب، استاد شهید مرتضی مطهری
- ۹- بحار الانوار، علامه محمد باقر مجلسی
- ۱۰- حماسه حسینی، ج ۲، استاد شهید مرتضی مطهری
- ۱۱- تحف العقول، ابن شعبه حرّانی (ره)
- ۱۲- اصول کافی، شیخ کلینی (ره)
- ۱۳- فروع کافی، شیخ کلینی (ره)
- ۱۴- من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق (ره)
- ۱۵- الخصال الشیعه، شیخ صدوق (ره)
- ۱۶- وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی (ره)
- ۱۷- مستدرک الوسائل، محدث نوری (ره)
- ۱۸- غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد آمدی
- ۱۹- الکنی و الالقاب، محدث قمی ج ۲
- ۲۰- کنز العمال، متقی هندی ج ۶



معلّمان محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آنان می توانند
نظر اصلاحی خود را دربارهٔ مطالب این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران،
صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۴۸۷۴، گروه درسی مربوطه یا پیام نگار (Email)
talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.
دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری